کارگران همه کشورها
متحد شوید!

کار

مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دوره دوم – سال اول – شماره ۲

اول فروردین ماه ۱۳۶۳ – ۱۲ صفحه – ۲۰ ریال

برقراری صلح، هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران است

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره تشدید وخامت اوضاع در جبهه‌های جنگ

در صفحه ۳

فاجعه های جدید در مسیر تداوم جنگ

با تهاجم جدید نیروهای جمهوری اسلامی به مواضع عراق در آخرین ماه سال، فاجعه جنگ ابعاد تازه و بی سابقه‌ای یافته است. هدف این تهاجم نظامی حکومت، جداسازی استانهای بصره، نیسان و العماره و قطع ارتباط شمال عراق با جنوب آن بوده است. در این عملیات بیش از نیم میلیون سپاهی وصدها هواپیما و هزاران تانک، توپ و ادوات زرهی بکار افتادند. رژیم عراق و ایران هر یک برای پیروزی در این عملیات، نیروی هوائی خود را بمقیاس بی سابقه بکار گرفته‌اند. تقریبا تمامی شهرهای جنوب و غرب ایران وشهرهای جنوبی وشرقی عراق با موشک، توپخانه وهواپیما بمباران شده است. در اثر بمبارانهای مداوم تعداد کثیری از مردم بیگناه و بی پناه کشته و هزاران خانه، مغازه و موسسات کوچک و بزرگ اقتصادی دو کشور ویران و منهدم شده است.

جمهوری اسلامی همان اوایل تهاجم اعلام کرد تا عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کرده وجزایر مجنون را اشغال کرده است. این ماجراجویی تازه جمهوری اسلامی تاکنون بقیمت کشته شدن دهها هزار جوان و نوجوان تمام شده است.

ابعاد عملیات اخیر آنچنان گسترده بوده است که رژیم عراق، متوسل به استفاده از سلاح شیمیائی علیه نیروهای ایران شده و تهدید کرده است که کشتی هایی که به مقصد بنادر ایران وارد خلیج می شوند و نیز تاسیسات نفتی ایران در خلیج فارس و خارک را بمباران خواهد کرد. متقابلا مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند که چنانچه جلوی صدور نفت ایران گرفته شود تنگه هرمز را خواهند بست. دولت آمریکا که در آرزوی ایجاد چنین موقعیتهائی برای بهره برداری خود بوده است، بیدرنگ اعلام نمود که "ما اجازه نخواهیم داد که تنگه هرمز حتی یک لحظه مسدود شود"! همین طور رئیس سابق سیا اعلام داشته است که آمریکا برای عملیات تجاوزکارانه در خلیج فارس آماده است. دولت ریگان برای نیروی دریایی آمریکا مستقر در خلیج فارس حریم تعیین کرده و خاطرنشان کرده تا شعاع ۵ مایلی کشتی های جنگی متعلق به آمریکا، هواپیماها حق پرواز تا ارتفاع کمتر از ۲۰۰۰ پا را ندارند.

جنگ ایران و عراق اکنون چهارمین سال را طی می کند. این جنگ، پس از جنگ جهانی دوم طولانی ترین جنگ بین دو کشور همسایه

بقیه در صفحه ۱۱

نوروزتان پیروز

[illegible]طن! نوروز بر تو که از هستی خود برای از [illegible] بردن کهنگی [illegible] را امروز برپائی دنیائی پر[illegible] [illegible]ی، مبار[illegible] [illegible] رسیده [illegible] را اولین [illegible] فراوان [illegible] [illegible]اد همه عزیزا[illegible] [illegible] مردم درنبرد [illegible] [illegible]د، جانانه [illegible] [illegible]ای شهدا خالی". اما [illegible] سران جمهوری اسلامی سرپوشادی را در[illegible] ما شکستند و چه گستاخانه شهرها[illegible] حمله" بمباران کردند و کوشیدند [illegible] ما تمکده ای کوروی نوربدل [illegible]د. رهبرا[illegible] که با تکیه بر اعتماد میلیونها مرد و زن ستمدیده ما و با قدرت ایثار و مقاومت بهترین فرزندان سرزمین ما، به حکومت رسیدند، همه وعده های خود را زیرپا گذاشتند و ناجوانمردانه پشت به مردم کردند و به قصد سرکوب انقلاب جویباری از خون انقلابی ترین و شریف ترین زنان و مردان ما، در گستره میهن عزیزمان براه انداختند. سال گذشته سال اوج ستمگری و رنج آفرینی های حکومت برای مردم بود. لهیب جنگ شدیدتر از همیشه شهرها و روستاهای ما را در خود کشید. و کارخانه ها، مزارع، دانشگاهها و [illegible]ها همچنان به ویرانی کشیده شد و بجای آن گورستانهای جدیدی ساختند. مرگ و ویرانی،

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند!

"هدفم فقط خدمت بود... در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خودم تضاد، ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم..." ناخدا بهرام افضلی

در صفحه ۲

مسایل مبارزین چپ و نیازهای جنبش

در صفحه ۶

پیام شاد باش احزاب برادر

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان
کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین
کمیته مرکزی حزب کمونیست هند
کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)
کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان
به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مناسبت ۱۹ بهمن

در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

نوروزتان پیروز

بقیه از صفحه ۱

آوارگی و تیره روزی تنها ره آورد حکومت در سال گذشته بود.

سال گذشته سال بی قانونی، سال تاخت و تاز وحشیانه به کلیه دستاوردهای انقلاب، سال لگدمال کامل آزادیهای فردی و اجتماعی و آزادیهای سیاسی، سال نزدیکی باز هم پرشتاب تر حکومت به امپریالیسم و تامین منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و تجار بزرگ بود.

مردم ما در سال گذشته آشکارتر دیدند که چگونه ادعای "کارگران ستون انقلابند" به شعار "تجار محترم استوانه انقلابند" مبدل شد و "سندهای پینه بسته دهقانان" است "کنار گذاشته شد و همان "سندها" ی آریامهری برای دفاع از منافع بزرگ مالکان مبنا قرار گرفت.

در سال گذشته هم در آمد سرشار نفت روانه جیب امپریالیستهای ژاپنی، آلمانی، انگلیسی و جیره خواران آمریکایی در منطقه از جمله ترکیه و پاکستان شد و بازارهای ایران هرچه بیشتر در اختیار کالاهای مصرفی امپریالیستها و وابستگان آنها قرار گرفت.

زحمتکشان در سالی که گذشت باز هم بیشتر زیر فشار روزافزون اقتصادی ناشی از تورم، گرانی، بیکاری، مسکن و ... رنج بردند، و باز هم بیشتر تجار محترم به غارتگری بی بند و بار محرومان آزادانه تر از سالهای پیش ادامه دادند و فارغ از هرقید و بندی با احتکار و گرانفروشی دسترنج ناچیز "مستضعفان" را به غارت بردند.

رهبران جمهوری اسلامی در سال پیش" هرچه فریاد داشتند" بر سر دوستان انقلاب ایران، در جهان و در راس آنها اتحاد شوروی کشیدند که همواره از انقلاب و مردم ما صمیمانه پشتیبانی می کنند. آنان به قصد نابود کردن انقلاب کوشیدند، مدافعین صدیق آن و در راس همه حزب توده ایران را نابود سازند و بدین نحو "آزادی" را به ددمنشانه ترین شکلی درهم کوبیدند. تصویری که حکومت از سیمای خود در سال گذشته بجای گذاشته مشحون از تباهی و تیرگی است:

در سال گذشته فروغ مبارزه و مقاومت مردم در برابر این نامردمی ها بیش از هر بار جلوه نمود. اعتراضات مردم بویژه طبقه کارگر ایران، در برابر تهاجمات ارتجاعی حکومت به منافع و دستاوردهای آنان روبه گسترش نهاد. در سال پیش شاهد آشکار شدن بیش از پیش نارضایتی مردم از وضع وخامت بار حاکم بر زندگیشان بودیم. اعتراض به سیاستهای جنگ طلبانه حکومت به درجه ای رسید که در آستانه سال جدید آیت اله خمینی رهبر جمهوری اسلامی خود ناچار به موضع گیری شد و دستور داد بسیجیها عید را در جبهه ها بگذرانند. اعتراضات مردم به کمبود کالا، گرانی سرسام آور، بیکاری فراگیر، توزیع ناعادلانه و احتکار، نارسائیهای بهداشتی و رفاهی و در کارخانه ها جهت احقاق حداقل دستمزد و احیاء تشکلها و در روستاها علیه غصب زمینها، بر بستر نارضایتی و بی اعتمادی مردم به رهبران حکومت آشکارتر شده است.

آنچه در سال گذشته روی داد، گویاتر از هر سخنی، راه زندگی ما را در سال جاری مشخص می کند. مبارزه علیه تداوم جنگ و پیامدهای خانمان برانداز آن و تلاش در راه استقرار صلح در کشورمان در سرلوحه مبارزات مردم ما قرار خواهد داشت.

اینک هزاران مرد و زن و کودک هم میهن ما در کردستان زیر آتش توپخانه های جمهوری اسلامی زندگی مشقت باری را تحمل می کنند. روزی نیست که موجی از کشتار و خونریزی در کردستان براه نیافتد، بدون شک مردم سراسر ایران مخالفت و اعتراض خود را علیه این ستمگریها آشکارتر خواهند کرد. جنگ و برادرکشی در کردستان باید خاتمه بپذیرد. مردم بلاکشیده این قطعه از خاک میهنمان باید حقوق ملی خود را بدست آورند.

مردم فریاد اعتراض خود را در برابر سیاستهای سرکوب گرایانه حکومت در مورد نیروهای انقلابی و نابودیهای آزادی سیاسی رساتر می سازند. همصدایی و همگامی مردم برای ممانعت از ادامه بازداشت، شکنجه و اعدام فرزندان انقلابی این مملکت اقدامات غیرانسانی حکومت را به بن بست خواهد کشاند. آزادی زندانیان سیاسی از خواسته‌های قانونی و به حق مردم ماست. امروز کمتر خانواده ای است که عزیزی را در بند سیاه چالها و شکنجه گاههای حکومت نداشته باشد. امروز کلیه خانواده های هم میهنان با هر مرام و مسلکی که باشند در مقابل یک مشکل مشترک قرار گرفته اند. برای حل این مشکل اقدام مشترک لازم است. برای آزاد کردن فرزندان توده ای، فدائی، مجاهد و دیگر عزیزان مبارز از اسارت جمهوری اسلامی باید تلاش بیشتری نمود.

هموطن! در این پنج نوروزی که در دوران جمهوری اسلامی پشت سر گذاشتیم، هر بهار از بهار پیش تیره تر بود. در این پنج سال نگذاشتند تا رایحه دلانگیز زنبق های صحرایی در بهاران خرم آب و خاک عزیزمان به مشام چشم براهان بهار برسد. سنتهای زیبا و دیرپای ملی ما را تحت عناوین گوناگون مورد تخطئه قرار دادند. نوروز امسال را با ایمان به آینده ای تابناک برپا داریم و گرامیداشت نوروز را سرآغاز مقاومت با زهم بیشتر خود در جهت پایان بخشیدن به وضع وخامت بار کنونی قرار دهیم. سالی را که آغاز می کنیم با امید فراوان به بهروزی سالهایمان پی ریزیم و با گرد آمدن در صفوف بهم فشرده رزم و مقاومت روزی نو، رقم بزنیم.

بگذار تا به هم به پیوندیم و شکوه یکدلی بهار ۵۷ را تکرار کنیم. بگذار رنگ خون از خانه و کاشانه‌مان رخت بربندد و چمنزاران میهنمان را لاله های صحرائی بپوشانند، بگذار با تلاش امروزیمان آینده ای پرسعادت به روی کودکانمان لبخند زند و شادی جای حسرت را بگیرد. بگذار نوروزمان پیروز و هر روزمان نوروز باشد ■

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند!

بامداد ۶ اسفند ۶۲، گروهی از شریف ترین و خدمتگذارترین فرزندان خلق، افسرانی که جان برکف از استقلال میهن و آزادی مردم دفاع می کردند، به جرم توده ای بودن و به دلیل عشق به توده ها اعدام شدند. خبر اعدام این افسران انقلابی و میهن پرست موجب خشم و نفرت همه مردم آزاده جهان و کلیه بشریت ترقیخواه گشت.

اعدام این میهن پرستان، تلاشی است که برای تهی کردن ارتش از عناصر انقلابی و بازگذاشتن دست افسران ارتجاعی و سلطنطلب وطرفدار امپریالیسم صورت گرفته است. افسرانی که به جوخه اعدام سپرده شدند از همان ایام جوانی آگاهانه راه خدمت به مردم را انتخاب کردند و در طول خدمت خود در ارتش، بیشترین و موثرترین اقدامات را به نفع انقلاب و در راه دفاع از استقلال ملی و یکپارچگی میهن، انجام دادند.

مردم ما در اوج مبارزات خود علیه رژیم دیکتاتوری شاه دیدند که چگونه عده کثیری از ارتشیان، فرماندهان آتش فرماندهان سرسپرده ای از قماش خسروداد ها و ناجی ها را نقض کردند و با پیوستن به صفوف مردم سینه فرماندهان مزدور را آماج گلوله های خود قرار دادند. حضور چنین نیروی مردمی در ارتش، نقش برجسته ای در سقوط پادگانها و تصرف کامل مراکز سرکوب شاه داشت. میهن پرستانی همچون این افسران شهید، توطئه کودتا های خونین بسیاری را از طرف افسران سلطنت طلب چه در دوره انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب فاش و خنثی ساختند. همراهی انقلابی سلحشوران میهن پرست در ارتش با رزم پرشکوه مردم ما، عامل مهمی در سرنگونی رژیم خودکامه شاه بود. انگیزه اصلی این جانبازیها در ارتشیان مردم دوست ما همانگونه که افسران شهید توده ای در بیدادگاه بیان داشته اند، پایان بخشیدن به نظام جور و ستم شاهی و تلاش برای بهروزی و سعادت محرومان میهن ما بوده است. ناخدا بهرام افضلی که زندگی و مرگی شرافتمندانه را برگزید در دفاع از آرمان انقلابی خود می‌گوید: "هدفم فقط خدمت بود... در رژیم گذشته، با پوست و گوشت و استخوان خودم فساد، ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم...". مردم ما در طول مبارزات خود اولین بار نیست که شاهد چنین جانبازیهایی از جانب افسران توده ای هستند. خاطره تابناک پایمردیهای افسرانی چون روزبه قهرمان ملی ایران هنوز بقوت در یاد مردم ما باقیست.

مردم هنوز خاطره خوش روزهای انقلاب را که با شاخه های گل میخک به استقبال فرزندان نظامی به خلق پیوسته خود میشتافتند، در اعماق وجودشان احساس می کنند. این ارتشیان پیوسته به صف مردم، این دلیران، این پاکباختگان که می دانستند حکم قتلشان با انصراف از حکم

بقیه در صفحه ۷

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
درباره تشدید وخامت اوضاع در جبهه‌های جنگ

برقراری صلح،
هدف مقدم و مشترك همه میهن پرستان ایران است

هم میهنان گرامی!

شعله‌های ویرانگرجنگ که به تحریک آمریکا وبدست رژیم‌صدام افروخته شد ،ورهبران جمهوری اسلامی‌به قیمت خون‌فرزندان شما آنرا ادامه می‌دهند ،درششمین نوروزپس ازانقلاب بهمن ، سوزان‌تر ازهمیشه برهستی‌کشورما چنگ انداخته است.

پایان سال ۶۲ پایان جنگ وکشتار وخون ریزی نبود،بلکه آغازدورجدیدی ازفاجعه‌آفرینی بودکه به‌آتش کشیدن بیسابقه شهرها وروستاها، کشتار ده‌ها هزارنفری‌درهرنبردووخیم ترشدن بحران تنگه‌هرمزوخلیج فارس ونمودار آن‌است. بهارامسال هم باخون جوانان شما ، باخون سرخ گلهای نودمیده مردم لاله‌گون است . رهبران جمهوری اسلامی درآستانه سال نو هدیه تازه‌ای برای شما تهیه دیده‌اند.آنها عملیات جنگی "خیبر" رابره‌انداختندوتنها ظرف ده روزده‌ها هزارتن ازجوانان ونوجوانان رادر" کوره‌جنگ" ریختندوبه‌مرگ سپردند. پیکراین فرزندان عزیزوشریف وطن مادرهمه جاافتاده است . دربیابانها وکوهستان‌های سراسرشرق عراق، دررودخانه‌ها وباتلاقهایی‌که صدها کیلومتروسعت دارند ،درکنارجاده‌های مرزی وراهها وکوره راههائی که به بصره و انقین والعماره می‌رود ،درکنارکارخانه‌هائی نابودشدند، روستاهائی که آتش گرفته و وشهرهائی که ویران گردیده‌اند.زیرآوار کودکستانها ودبستانها وبیمارستانها وهرجای دیگری که عفریت جنگ چنگ انداخته است. آنها درسرزمینهای غریب بخون می غلطند بدون اینکه بدانندچرا وبرای چه‌هدفی . کسانی که خوددرخانه‌های امن لمیده‌اندو کیسه کلان تاجران راپرمی کنند برای جوانان تنها حدیث مرگ می گویندوسرودمرگ می‌خوانند. دراین جنگ تاکنون صدها هزارنفرکشته‌شده‌اند. شمارزخمیان وگمشدگان ازاین هم بیشتراست. نزدیک به پنج هزارنفرتنها دربمباراتهای شهری شهیدشدند.

رهبران جمهوری اسلامی خودمی‌گویند: "بندرهای ما عمده‌اش درخدمت جنگ است. راههای ما قسمت عمده‌اش درخدمت جنگ است. پنج استان ما بخش اعظم تولیدانش خوابیده است". ما ازرهبران جمهوری اسلامی می‌پرسیم چرا پنج سال پس ازپیروزی انقلاب سنگی روی سنگ نگذاشتید وهمه‌اش ازمرگ وویرانی و خون حرف می‌زنید. شما چه کسانی هستید که اینطور کشوراویران می کنید؟ چه کسانی هستید که به خاطرکشتار این همه جوان بخودتبریک می گوئید؟ شماهرچه جشن بودممنوع ومتروک کردید وصدها رسم جدیدعزا وشیون اختراع نمودید. شمامی خواهیدمردم کفن پوش وکشورسیاه پوش باشدوخودبرهمه دستاوردهای کاروپیکارمردم فاتحه بخوانید!

هم میهنان گرامی!

میهن پرستان و صلح دوستان ایران!

جنگی که حکومت ایران برخلاف مصالح میهن ما ادامه می‌دهدآبستن فاجعه‌های بازهم بیشتری است . امپریالیسم آمریکا می‌خواهد دامنه جنگ به سراسرخلیج فارس کشیده شودوجمهوری اسلامی باسیاست جنگ طلبانه خوددرراستای خواست آمریکا عمل می کند. "بحران" تنگه هرمزکه حاصل همین توطئه‌هاست ، به کانون خطری بزرگ برای امنیت منطقه واستقلال کشورما بدل شده است. اکنون امپریالیسم آمریکا باهم دستی انگلیس وهمکاری دیگرکشورهای امپریالیستی وارتجاعی آماده اجرای یک توطئه بسیارخطرناک دراین منطقه است .به‌همین منظورسی‌ناوجنگی آمریکائی وچندین ناوانگلیس وصدها هواپیمای جنگی وهزاران تفنگ‌دار دریایی دردهانه‌خلیج‌فارس کمین کرده‌اند .فاجعه‌های جدیدجنگ ایران و عراق ووخامت اوضاع درخلیج فارس موج جدیدی ازتلاش نیروهای صلح دوست جهان را برانگیخته‌است . سازمان ملل متحد ،جنبش غیرمتعهدها ،شورای جهانی‌صلح ،کنفرانس وحدت آفریقا ، فدراسیون بین المللی‌زنان ودهها سندیکا واتحادیه وسازمان ونهادبین‌المللی نسبت به وخامت اوضاعی که جنگ ایران‌وعراق پدیدآورده‌است‌هشدارداده‌وحکومت ایران‌رابه پذیرش آتش‌بس‌وحل مسائل ازطریق مذاکره وراههای صلح آمیزفراخوانده‌اند .کشورهای ضدامپریالیستی وسوسیالیستی کماکان درصف مقدم مبارزه درراه قطع جنگ ایران وعراق قراردارند . درپی تحریکات آمریکا در خلیج فارس اتحادشوروی ضمن تذکروخامت اوضاع ودعوت ازطرفین درگیربرای قطع‌جنگ طی اطلاعیه‌ای که خبرگزاری تاس منتشرنمود درارابطه باتحریکات اخیرآمریکا درخلیج‌فارس به‌این کشورهشدارداد .حکومت ایران هرگونه راه مسالمت آمیزرا ردمی‌کند وآشکارا می‌گوید که قصد دارد به منظور مداخله از مردم عراق وبرپاکردن جمهوری اسلامی‌درآنجا جنگ راتاآن سوی مرزهای کشورادامه دهد .رهبران جمهوری اسلامی اصلا" توجه نمی کنندکه‌تمام بشریت صلح دوست خواستارقطع این جنگ‌ویرانگر است . اینان درآستانه سال نوبارد‌یگرو بدون پرده‌پوشی، امپریالیستها رادعوت به معامله کردندوروشن ساختندکه چنانچه امپریالیستها درجنگ ایران وعراق تنها به آنان کمک کنند، آنها نیزبوددامپریالیستها درافغانستان دخالت فزاینده خواهندکرد!

هم میهنان گرامی!

میهن پرستان و صلح دوستان ایران!

پایان دادن به جنگ ودستیابی به صلح نیازمندمبارزه گسترده‌وهماهنگ ماست. مردم ایران جبهه‌هائی راکه حکومت به‌هوای رسیدن به هدفهای مداخله گرانه خودگشوده است ومدام آنها رادرآن سوی مرزهای کشورما گسترش می دهدپشتیبانی وتقویت نمی کنند، مردم ازاعزام جوانان خویش به‌این جبهه‌ها خودداری می کنند. عزیزان خودرانمی‌فرستند تادرسرزمین های دیگران به جنگندوکشته شوند.مردم میهن ماصدای مخالفت واعتراض خودرابلندوبلندترمی کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق‌ایران (اکثریت) ،قطع جنگ وبرقراری صلح راهدف مقدم ومشترک همه میهن پرستان ایران می‌دانند.برای رسیدن‌به‌این هدف، برای‌پایان دادن به کشتارمردم وویرانی کشورمان راه همکاری وهماهنگی رابرگزنیم.

برای آگاه نمودن وبسیج کردن هرچه بیشترمردم درراه صلح،برای کاربست مشترک موثرترین اقدامات، برای هماهنگ کردن مبارزات وفعالیتهای صلح طلبانه، برای برانگیختن هرچه بیشترنیروی صلح طلب جهان به حمایت ازمبارزات صلح‌طلبانه‌مردم کشورمان،همه نیروهای میهن پرست وصلح‌طلب می‌توانندولازم است همکاری کنند .ما نیروهای میهن پرست وصلح طلب رابه بهره‌گیری‌ازهمه امکانات برای تامین همکاری هرچه بیشتردر راه‌صلح فرا می خوانیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق‌ایران (اکثریت) ازهمه نیروها وکشورهای‌ضدامپریالیست وصلح طلب ، ازهمه احزاب، سازمانها، گروهها، نهادها وشخصیتهای صلح‌دوست جهان دعوت می کندکوشش برای قطع جنگ ایران و عراق راهمچنان گسترش دهندواز‌خواست ونیاز عادلانه مردم ما قویا" پشتیبانی‌کنند. برای مردم میهن ما همه تلاشهائی که درکشورهای مختلف ودرجهان برای پایان دادن به‌این جنگ انجام می شودبسیارارجمندواحترام‌انگیز است.

باشدکه درپرتومبارزات مردم‌وهمکاری هرچه گسترده ترهمه نیروهای میهن‌پرست وصلح طلب سال نورابه سال مبارزه پیروزمندانه درراه قطع جنگ وبه سال برقراری صلح تبدیل کنیم.

برقرارباد صلح
مرگ برامپریالیسم‌جهانی‌به‌سرکردگی‌آمریکا

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۷ اسفندماه ۶۲

تلاش برای دولتی کردن شوراهای کارگری

پیش نویس "قانون کار" جدید جمهوری اسلامی، در جراید کشور انتشار یافت. نظر به اهمیت قانون کار در زندگی و مبارزه کارگران، ضرورت دارد که طبقه کارگر به دقت این "قانون کار" جمهوری اسلامی را بررسی کرده و از محتوا و مقاصد آن مطلع شود. باید معلوم گردد که آیا در قانون جدید، آن موضوعات اساسی که کارگران را به مبارزه وسیع علیه جریان ضدکارگری به رهبری توکلی سوق داد، به سود کارگران تغییر یافته یا اساس منازعه محفوظ مانده است. در سرسخن باید گفت، قانون کار جدید هرچه باشد، صرف انتشار آن منعکس کننده ضربتی است که کارگران ایران به باند توکلی و مدافعان او وارد آورده اند. کارگران این پیروزی بزرگ را ساده بدست نیاورده‌اند و نباید ساده از دست بدهند. ابعاد پیروزی در حدی است که رهبران حکومت، حتی پس از چرخش به راست، به ابطال اجباری و رسمی قانون کار توکلی تن داده اند. دستاورد مبارزه کارگران به این خلاصه نمی شود که مهره کثیف و آبروباخته‌ای نظیر توکلی را از وزارت کار بزیر کشیدند. کارگران در این نبرد نشان دادند که بیدار و در صحنه اند و کار بر رهبران کارگرستیز جمهوری اسلامی سخت و سخت تر خواهد شد.

* * *

توکلی می گفت: "کارفرما باید مختار باشد که بهر نحو لازم دید سرمایه حلالش را در جهت توسعه اقتصادی به کار اندازد و نباید قید و بند برایش درست کرد" (سمینار مدیران صنایع). چون: "خدا برای آزمایش بندگانش به یکی ثروت بیشتر می دهد و یکی کمتر... ثروت برای آزمایش است. این فقر هم برای آزمایش است. تا ببینیم... توی فقیر آبروی خودت را حفظ میکنی و صورت خودرا با سیلی سرخ میکنی، روزی از بنده نمی‌خواهی یا ذلت کسب کنی. ما تابع این فکرهستیم" (نشریه اعتصام ۸ آذر ۶۱). این ایده‌ها که از منافع کلان سرمایه داران دفاع می‌کند مبنای کار مسئولان کارگرستیز جمهوری اسلامی ایران بوده و هست.

مطابق این سیاست وزارت کار علنا" از ماده ۳۳ دفاع می کرد: "شما در سمینار شوراهای اسلامی تقاضای لغو ماده ۳۳ را کردید. این صحیح نیست" (توکلی کیهان اول تیر ۶۱). و به بهانه‌های پوچ، شوراهای کارگری را منحل می کرد (بخشنامه دی‌ماه ۶۰ وزارت کار). و تنها شورائی را "قانونی" قلمداد می کرد که رضایت کارفرمای سرمایه‌دار را جلب کرده باشد، (بخشنامه شهریور ۶۱ وزارت کار). وزارت کار به بهانه اینکه "قوانین الهی" و "مسلمات" شوریدار نیست، سندیکاهای کارگران بافنده سوزنی و خیاطی و کفاشی (خرداد ۶۱) و ۷ سندیکای کارگری تهران (۶ مرداد ۶۱) و شمار بسیاری از شوراهای کارگری را منحل نمود. مطابق همین سیاست، وزارت کار، تعاونی های کارگری را هم متلاشی می کرد. مثلا" "اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگری اصفهان" را که ۵۶ تعاونی و ۱۴۰ هزار کارگر را تحت پوشش داشت، منحل نمود.

طراحان این سیاست، به درستی قدرت کارگران را در تشکل یافته بودند. کوشش اصلی وزارت کار هم متوجه همین بود. بهمین منظور وزارت کار لایحه "قانون شوراهای اسلامی کارکنان" که به گفته کارگران فقط نام شورا را به عاریت گرفته بود، به مجلس پیشنهاد کرد. وقتی در ۱۳ مهرماه این لایحه ردشد، قانون کار تماما" ارتجاعی را پیشنهاد کـــرد.

وزارت کار می‌فهمید که تحقق اهداف ارتجاعی در گرو خلع سلاح کارگران است. توکلی و شرکا به این نکته مهم و مرکزی توجه کامل داشتند: "در قانونی که تهیه شده بود، مساله اتحادیه و سندیکا و کنسرسیوم (منظور کنفدراسیون است) وغیره مطرح شده بود که با قوانین کار در اسلام تطبیق نمی کرد". (توکلی، تیر ۶۱، پانزدهمین کنگره سراسری شوراهای اسلامی)

در ابتدا وزیر کار هرگونه تغییر در قانون ارتجاعی خود را غیرممکن می دانست و رد می‌کرد. معاون او با صراحت می گفت: "اگر تمام ۴۰ میلیون ایرانی جمع شوند و بگویند اینجا واقعا" ظلم می شود و باید حرف کارگر را قبول کرد... این (اعتراض ۴۰ میلیون) را نمی‌توان ملاک گرفت". اما وقتی وخامت اوضاع را دریافت، پذیرفت که امکان اصلاح وجود دارد. با وجود این طبقه کارگر ایران، قانون کار وزیر را زیر بغلش گذاشت و خود آقای وزیر را هم از وزارت کار بیرون انداخت.

* * *

امروز که قانون کار تازه‌ای ارائه شده است و طبقه کارگر ایران تجربه غنی مبارزه علیه قانون کار توکلی را پشت سر گذاشته است ضروری است که در بررسی کلی یا جزئی قانون کار جدید هم قبل از هرچیز، پیش بینی های قانون درباره تشکل مستقل کارگران مورد توجه قرار گیرد.

کارگران آگاه میهن ما نیز بخوبی ضرورت توجه به این مسئله اساسی را دریافته اند که قانون کار جدید درباره تشکل مستقل کارگران چه می گوید؟ در خود قانون آشکارا مشخص شده است که آنچه قانون بنام "شوراهای اسلامی کارگران" نامگذاری کرده است، بر اصل ۲۶ قانون اساسی متکی نیست. شورای کارگری، بمنزله شکلی از تشکل مستقل و صنفی کارگران از بیخ و بن نفی می‌شود و با فریبکاری، یک رشته از اهرم های اجرائی دولت بعنوان "شورای اسلامی کارگران" معرفی می گردد. مطابق ماده ۱۶۷، مجمع عمومی که به اصطلاح میبایست اعضای "شورای اسلامی کارگران"! را انتخاب کند، تمام کارکنان حتی مدیر را دربرمی‌گیرد. بدینگونه از همان ابتدا سعی می شود که شوراهای کارگری به شوراهای کارکنان (اصل ۱۰۴) تنزل یابد و شورای مستقل کارگری به شورای مختلط و وابسته و فرمایشی مبدل شود و خصلت کارگری آن نفی گردد. در همین راستا، کاندیداهای عضویت شورا باید "صلاحیت" ایدئولوژیک و سیاسی داشته باشند! طبق تبصره "هـ" ماده ۱۷۳، هرکس که حتی گرایش به احزاب و سازمانهای مخالف جمهوری اسلامی داشته باشد، از انتخاب شدن محروم است. یعنی هیچ آزاداندیش، میهن پرست و مدافع حقوق مردم حق عضویت در شورا را ندارد. هرحق طلبی که با این حکومت و با اقدامات آن مخالفت ورزد، مشمول این محرومیت می شود. تمام کارگرانی که از زندان جمهوری اسلامی آزاد می‌شوند، همین سرنوشت را دارند.

کدام مرجع قانونی یا "غیرقانونی" بودن این یا آن حزب را تشخیص می دهد. آیا آن حکومتی که قانون اساسی مصوب خود را زیر پا می گذارد، می تواند مرجع "صالح" داوری باشد؟ طبق تبصره ماده ۱۱۰ حتی مسلمانها هم از تیغ انحصارطلبان در امان نمانده اند. هر مسلمانی نمی تواند عضو شورا باشد، مگر آنها که مثل "فقها" می اندیشند.

پیش نویس برای محکم کاری بیشتر ماده ضدکارگری ۱۷۳ را با ماده ۱۷۴ تکمیل کرده است. مطابق ماده ۱۷۴، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورا در چهارچوب شرایط ارتجاعی فوق به عهده هیئت ۳ نفری مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده وزارتخانه مربوطه و نماینده منتخب مجمع کارکنان گذاشته شده است. تبصره این ماده می‌گوید که صلاحیت نماینده منتخب کارکنان هم بعهده وزارت کار است! این هیئت وظیفه دارد اگر اتفاقا کسانی از "چنگ" شرایط عضویت فرار کردند، به تور بیندازد و تصفیه کند.

هدف پیش نویس از ایجاد موانع فوق آن است که تضمین کاملی برای سرهم بندی کردن "شورا" های فرمایشی دولتی ایجاد کند. این هدف به کرات در مواد ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶ گنجانده شده است.

پیش نویس به این حد هم اکتفا نمی‌کند، بلکه هیاتی بنام "هیات نظارت بر شوراهای اسلامی کار منطقه" را که یک هیات کاملا" فرمایشی و دولتی است، مافوق این "شوراها" قرار می دهد. ماده ۱۴۴ به این هیات اجازه می دهد که به فعالیت شوراهای کارگری نظارت کند. و به شکایت کارکنان از شورا رسیدگی کند و عضویت اعضای شورا را لغو کند. مهمتر از همه اینکه هیات اجازه می‌یابد شورای اسلامی کار واحدها را منحل کند.

کدام اصل قانون اساسی به وزارت کار اجازه داده است که در امور شوراهای کارگری اینگونه مداخله کند؟ طبقه کارگر در کدام گردهمائی سراسری خود، در کدامیک از قطعنامه های آن، این حق مسلم خود را به وزارت کار تفویض نموده است؟ فصول پنجم و هشتم پیش نویس برخلاف اصل ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی است. این فصول آشکارا برضد منافع کارگران است. مهمتر آن طبقه کارگر ایران مدتها پیش، در زمان توکلی مرحوم، نظر صریح خود را درباره اینگونه خودسری وزارت کار اعلام کرده است. آنها صریحا" اعلام کرده اند که اختیار شوراها کارگری تنها به اراده خود کارگران مربوط است نه هیچ نیروی دیگر.: "ما شوراهای اسلامی کارخانجات توسط کارکنان انتخاب و شرط باقی ماندن یا کنار رفتن خود را در گرو رضایت موکلین خود می دانیم... پیشنهاد می کنیم، برای اعلام رضایت یا عدم رضایت کارکنان که تنها شرط کناره گیری یا ابقاء شوراهای اسلامی می توانند باشد... تکلیف هر شورا را انتخابات جدید کارکنان مشخص نماید". (ماده ۹ قطعنامه نخستین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات استان تهران)

کارگران نه تنها مخالف دخالت وزارت کار در شکل و مضمون تشکل های خود هستند، بلکه با صدای بلند اعلام کرده اند: "وزارت کار بایستی ملجاء و مرجع کسانی باشد که مورد ظلم قرار می گیرند و بیطرفی... به هرعذر و بهانه‌ای نمی تواند مورد پذیرش باشد" (ماده ۹ قطعنامه انجمن های اسلامی کارخانجات تهران)

ارزش هر قانون کاری در درجه اول با این ملاک سنجیده می شود که تا چه اندازه به طبقه کارگر اجازه داده است که سازمان مستقل توده‌ای خود را تشکیل دهد. تا چه اندازه فعالیت طبقه کارگر را جهت ایجاد و سراسری کردن سازمانهای مستقل خود، خالی از هرگونه ابهام گوئی، به رسمیت می شناسد. بررسی پیش نویس قانون کار تازه نشان می دهد که منظور قانون کار جدید از شوراهای اسلامی کارگری، در حقیقت انهدام تشکل های واقعی کارگری و دولتی کردن آنهاست. از این نقطه نظر، این پیش نویس پا در جای پای قانون کار آقای توکلی گذاشته است ■

گرانی: غارت بی بند و بار مردم

گرانی بیداد می‌کند. قیمت بسیاری از کالاها هرماه و هرهفته همچنان بالا می‌رود. مردم هرروز احساس می‌کنند که از قدرت خریدشان کاسته می‌شود و با درآمد ناچیزشان کمتر از قبل می‌توانند مایحتاج اولیه زندگی خود را تهیه کنند.

اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی اعلام نمود که شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در آذرماه سال ۶۲ ۱۵/۸ درصد و در نه ماه اول سال ۱۹/۱ درصد نسبت به دوره مشابه قبل افزایش یافته است. گرچه بانک مرکزی می‌کوشد با دست بردن در ارقام، میزان واقعی تورم را لاپوشانی کند، با این وجود ارقام ذکرشده عمق بحران اقتصادی، افزایش لجام گسیخته قیمت کالاها و تورم فزاینده را به نحو بارزی نشان می‌دهد.

میزان تورم بمراتب بیشتر از ارقام ارائه شده توسط بانک مرکزی است. قیمت برنج در بازار آزاد به کیلویی ۱۲۰ تومان رسیده است. لپه کیلویی ۵۰ تومان فروخته می‌شود. جدول زیر قیمت چند قلم اجناس ضروری را نشان می‌دهد:

نوع کالا	قیمت	
لیوان (یک نوع ساده) یکعدد	۳۰۰	ریال
بشقاب "	۵۰۰	"
چیت ساده (متری)	۳۰۰	"
تیرآهن (هرکیلو)	۵۰۰	"
عدس (هرکیلو)	۴۰۰	"
لوبیا چیتی "	۴۰۰	"
نخود "	۴۰۰	"
لپه "	۵۰۰	"
سیب‌زمینی "	۲۵۰-۳۰۰	"

گرانی سرسام آور به مساله حاد مردم تبدیل شده است. کمر مردم زیر فشار گرانی خم می‌شود. تورم، دسترنج اقشار زحمتکش را هرچه بیشتر می‌بلعد. درحالیکه قیمتها اینطور سرسام آور بالا می‌رود، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان همچنان طی چهار سال اخیر ثابت مانده است. درعوض، تجار بزرگ با احتکار کالا و فروش آنها به قیمت گزاف در بازار، ثروتهای کلانی اندوخته‌اند. فلاکت و رنج جانکاه ناشی از افزایش افسار گسیخته قیمتها، مردم را به استیصال کشانده است.

جنگ خانمانسوز ایران و عراق، تاثیرات فوق العاده مخربی بر امر تولید و توزیع و بالنتیجه بر افزایش شدید تورم گذاشته است. رهبران جمهوری اسلامی زیر شعار "جنگ مساله اصلی است" بیش از یک سوم بودجه سالانه را به هزینه های کمرشکن جنگ اختصاص داده‌اند. به گفته نماینده مجلس (خدابنده ـ اطلاعات ۳۰ آذرماه ۶۲) "درروز ۳۲۲ میلیون تومان صرف جنگ می‌شود". این ارقام نجومی، بجای اینکه به خدمت تولید و رفاه زحمتکشان درآید، صرف خرید سلاح از کشورهای امپریالیستی جهت کشتار مردم و تخریب مناطق جدیدی از کشور ایران و عراق می‌شود.

کاهش تولید ملی، در چند سال اخیر نقش زیادی در افزایش تورم داشته است. تولیدات کشور بهیچوجه قادر نیست بخش قابل توجهی از نیازمندیهای جامعه را تامین کند. جمهوری اسلامی بجای برنامه ریزی در جهت افزایش تولید، بسیاری از واحدهای تولیدی را تعطیل و یا متروک و یا تولید آنها را مختل کرده است.

سیاستهای قشری و تنگ نظرانه جمهوری مبنی بر اخراج و دستگیری عناصر انقلابی و متخصص در واحدهای تولید به کاهش تولید کمک می‌کند. در مدیریت اکثر کارخانجات افراد متملق و فاقد تخصص و در برخی موارد عناصر فاسد جاخوش کرده‌اند.

اختصاص بودجه کلان به هزینه های جنگ و ارگانهای سرکوب، کثرت ارگانهای خدماتی و بوروکراتیک موجب افزایش هزینه‌های جاری و کسری بودجه شده است، بطوریکه دولت هرسال حدود یک صد میلیارد تومان کسری بودجه دارد و برای جبران آن، لوایح بودجه طوری تنظیم می‌شود که دست دولت بسوی بانک مرکزی جهت استقراض دراز می‌شود. بانک مرکزی بعلت نداشتن موجودی کافی مبادرت به چاپ بی‌رویه اسکناس می‌کند. اسکناس اضافی خود به تشدید گرانی کمک می‌کند.

درسالهای آخر حکومت وابسته شاه، واردات بطور سرسام آوری افزایش می‌یافت. بعد از گذشت پنج سال از انقلاب، صادرات کشور نسبت به سال ۵۶ کمتر شده و واردات بطور فوق العاده افزایش یافته است، بگونه‌ای که تخلیه کالاهای وارداتی از بنادر و کمبود کامیون، به معضل جمهوری اسلامی تبدیل شده است و تهیه کامیون نقش "استراتژیک" در اقتصاد ورشکسته کشور پیدا کرده است. به گفته نژادحسینیان وزیر راه و ترابری: "ظرف پنج ماه اول سال جاری (سال ۶۲) حجم کل واردات به ایران بیشتر از ۹/۵۶۶ میلیون تن بوده که با مقایسه با سال قبل ۴/۳۴۲ میلیون تن افزایش واردات کالا داشته‌ایم (۸۳٪). باید بگوئیم که بزرگترین حجم واردات کشور قبل از انقلاب ۱۷/۲ میلیون تن در سال ۱۳۵۶ بود.

اگر همین روند ادامه یابد در سال جاری ۲۴ میلیون تن واردات خواهیم داشت. مطابق ارقامی که بانک مرکزی داده، اعتبارنامه‌ای برای ورود کالا باز شده که جمعا شامل ۱۳ میلیون تن برای پنج ماهه اول سال است. اگر چنین روندی ادامه یابد حجم کالاهای وارداتی به رقمی حدود ۳۱ میلیون تن در سال می‌باشد" (۲ مهرماه ۶۲). این ارقام نشان می‌دهد که حجم کالاهای وارداتی در سال ۶۲ به رقم نزدیک دو برابر سال ۵۶ رسیده است.

دوره پنج ساله بعد از انقلاب، دوره طلائی برای تجار چپاولگر بوده است. آنان هرچه می‌توانستند مردم را چاپیدند و بر ثروت خود افزودند. انباشت سرمایه تجار بزرگ از محل سوداگری تجاری و احتکار و گرانفروشی در این سالها در تاریخ رشد سرمایه‌داری ایران بی‌سابقه است. "در این مدت سه یا چهار سال انقلاب افرادی سرمایه‌هایی را بدست آوردند که در ۴۰ سال گذشته بدست نیاورده بودند" (اطلاعات ۶۲/۱/۲۳ ـ حاتمی نماینده آیت الله خمینی در جهاد سازندگی آذربایجان).

تجار بزرگ با تشکیل "تعاونیهای توزیع" امر توزیع کالاهای وارداتی و داخلی را به کمک وزارت بازرگانی به چنگ خود گرفتند و کالاها را در بازار آزاد به قیمتهای چندبرابر فروختند. به گفته هرندی نماینده مجلس "این معنی نظام جمهوری اسلامی نیست که یک نفر جنس ۴۰۰، ۵۰۰ تومانی را به ۱۴ یا ۱۵ هزار تومان بفروشد و بعد در آخر سال بگوید خدا را شکر که زیر پرچم جمهوری اسلامی توانسته‌ایم در مدت یک سال مبلغ ۵ میلیون تومان منفعت داشته باشیم" (اطلاعات ۶۲/۲/۶۰).

از قبل سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی، تنها از محل بودجه دولتی، ۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به کیسه بخش خصوصی واریز شده است و به گفته بانکی، سرمایه داران ایران تا سال ۶۱، ۲۸۰ میلیارد تومان سود خالص بردند. (اطلاعات ۳ بهمن ۶۲).

بقیه در صفحه ۸

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

مسایل مبارزین چپ و نیازهای جنبش

امروز، ما درشرایطی پیکار می‌کنیم که دشمنان، همه نیروی خودرا برای نابودی تمام دستاوردهای انقلاب بهمن بکار گرفته‌اند. ضرورت، اهمیت وفوریت اتحاد نیروهای مردمی برای پیشبرد پیروزمندانه این پیکار، اکنون بیش ازهرزمان دیگری احساس می شود. با اینهمه گروههای مبارزچپ، نیروهائی با آرمانهای سوسیالیستی که براساس ویژگی ضدامپریالیستی ومبارزاتی خویش، ازدسته بندیهای مائوئیستی وهم اندیشان وهمراهان آنها متمایزمی شوند، وبخش مهمی ازجنبش انقلابی کشورما هستند، همچنانکه برگستگی پیوندخودبا روندعینی جنبش مردمی درکشورویا جنبش جهانی کمونیستی پافشاری می کنند و گرفتارتشدیدکشاکشهای درونی وتفرقه گرائی هستند.

برای هیچ انقلابی صادقی، مشاهده این رویدادها نمی‌تواندتاسف آورنباشد. گروههای چپ، خودمسئولیت اصلی رادربرابرادامه این رویدادها برعهده دارند. آنها بایددست کم بابررسی آزمونهای چندساله پس ازانقلاب بهمن وبهره گیری ازآموزشهای بیشماری که درجنبش انقلابی ما اندوخته شده‌است، به تلاشی جدی برای حل این مشکلات بپردازند. سازمان فدائیان خلق ایران سهم خویش پیگیرانه می کوشدتلاشهای رهجویانه نیروهای مبارزرا تقویت کندودرمبارزه برای پایان دادن به تفرقه وتفرقه گرایی که این نیروها گرفتارآنند، شرکت نماید.

پراکندگی به سودکیست؟

شنیده می شودکه دسته تازه‌ای ازاین یا آن گروه "انشعاب" کرده‌است. برای چه؟ هیچکس وقبل ازهمه، خودکسانیکه "انشعاب" کرده‌اندهرگزنمی توانندضرورتی برای آن بیابند. البته اغلب جزواتی ازپیش آماده هست تا "مواضع" "جدید" را "توضیح" دهد. اماگاهی پیش آمده‌است که عمرگروه منشعب شده ازمدت زمانی که برای مطالعه وبررسی توضیحاتش لازم است، کوتاهتربوده‌است. کسانی، گروه خودرا "بحران" زده، "چپ رو"، "راست رو" وغیره معرفی می‌کنندو "راه حل" رادراین می بینندکه "انشعاب" کنند. اما آنها نیزپس ازانشعاب درنخستین گام با "چه بایدکرد" و "ازکجا بایدآغازکرد" روبرومی شوند وبازگروه جدیدخودرادر "بحران" ودچار "بیماری چپ روی" ویا "انحراف رویزیونیستی" تشخیص می دهندونتیجه هم ازپیش معلوم است: انشعاب.

آیاکسانیکه ازاین اقدامات دفاع می‌کنند یا به آن تن می دهند، اندیشیده‌اندکه پیامدودستاورداین "انشعاب" های بیشمار وتفرقه گرائیها، جزضربه به خودگروه‌های مبارزوآسیب رساندن به مجموع جنبش انقلابی چه بوده‌است؟ امروزتجارب گوناگونی دراین زمینه وجوددارد که مبارزین می توانندازآنها بهره مندشوند.

بهترواموزنده ترازهمه درسالهای پس از انقلاب انشعاب اقلیت ازسازمان ماست. آیا آن رفقای قدیم ما، آن مبارزین صادق که در صفوف اقلیت فعالیت می کنند پس ازانشعاب توانستند "مسائل ومشکلات" ی راکه پیش روی خودمی دیدند "حل" کنند؟ ما ازاین مبارزین می پرسیم: آیا با این انشعاب، سازمانی بدون "بحران" درست کردید؟ پیوند خودرابا مبارزات مردم تحکیم کردید؟ برنقش وحضورخوددرجنبش کارگری ودرمیان کارگران ایران افزودید؟ نقش نیروهای چپ رادر چهارچوب جنبش خلق گسترش دادید؟ به تئوری وسیاست مارکسیست ـ لنینیستی بدون لغزش دست یافتید؟ پاسخ همه این پرسشها به شدت منفی است. شمادرکنگره خودادعان کردیدکه "انشعاب" "زودرس" بود. ما نمی گوئیم "زودرس" بلکه می گوئیم نادرست وبسیار زیان باربوده‌است. آنچه موردمخالفت شما بود، یعنی روندتکوین فکری فدائیان خلق درعرصه ایدئولوژی و خط مشی، پس ازانشعاب نیزدرصفوف شماشروع به رشدکرد.

اقلیت نه تنها به هیچیک ازآرزوهای خودبا انشعاب جامه عمل نپوشاند، بلکه "بحرانی" که می خواستندبا انشعاب ازچنگ آن رهاشوند، پس ازانشعاب چهره واقعی خود رانشان داد. با اینهمه، بازکسانی پیداشدند که زیرعلم "بحران درجنبش کمونیستی" و چیزهای عجیب دیگری ازاین دست، به دفاع از تفرقه وانشعاب برخاستندو "انشعاب" کردند. درموردطرفداران "فراخوان کنگره" که در ۱۶ آذر۶۰ اعلام موجودیت کردند، مساله ازاین هم بی معناتراست. براستی هم شگفت آوراست که کسانی اعلام کنندبخاطر "وحدت اصولی" انشعاب می کنند! تلاشهای رهبران انشعاب که می‌خواستندبرپایه ضدیت با حزب توده ایران خط مشی سیاسی جدیدی دربرابر "خط مشی اکثریت" ارائه دهند، هنوزبه هیچ جائی نرسیده‌است. کسانی ازمردم که ازاین "انشعاب" باطلاع آنها رسیدهرگزنفهمیدندکه این گروه کدام راه جداگانه ئی را، راهی که راه مشترک توده‌ایها وفدائیان نیست، فراروی خودقرارمی دهد؟ کسانی که روز۱۶ آذریکباره دربرابرسازمان خودصف کشیدند. آیا واقعا بدون زیرپاگذاردن وجدان علمی وانقلابی می توانستند، همچنان پای این "انشعاب" صحه بگذارند؟ سازمان فدائیان خلق ایران امروزهم مثل آنروزکه انشعاب اعلام شد انتظارداردکه این جدائی پایان بگیرد و رفقائی که بنابه دلائلی کاملا" بی اساس صفوف سازمان خودراترک کرده‌اند، به سازمانشان برگردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران بارهاوبارها اعلام کرده‌است، این "انشعاب" هاوتفرقه گرائیها، "راه‌حل" هیچیک از مسائل مردم زحمتکش ما نیست. این گونه انشعابها، عوارض وپیامدهای یک بیماری و انحراف خطرناک است که تیشه برریشه مبارزین "چپ" می زندواساس موجودیت آنان را بمثابه یک جریان انقلابی موردتهدیدقرارمی دهد. کسانی که به اینگونه گرایشها تن می دهند، برسرشاخه نشسته وبن می برند.

تفرقه گرایی دردیدگاه مبارزین چپ نسبت به اتحادنیروهای ضدامپریالیستی و مردمی نیز، همینگونه ویرانگربوده وپیامد بسیارزیانباری دارد. آنها اغلب، بجای اینکه مسئولانه به جستجووشناخت هدفها و خواسته‌های مشترک نیروهای مردمی برآیندو این وجوه مشترک رابرای نزدیکی نیروهامورد تکیه وتاکیدقراردهندوبرهمین پایه برای اتحادنیروهای رزمنده خلق مبارزه کنند، دربدردرجستجوی "تضاد" و "اختلاف" هستند، تاآنهاراعلم کنندوازاین "تضادها و اختلافات" درعالم خیال، دیوارچین بین نیروهای انقلابی ومردمی بکشند. این نیروها اغلب دهها شرط برای کمترین همکاریها با دیگرنیروهای مردمی قایل می شوندوتشکیل جبهه، وهرنوع ائتلاف با دیگران رامشروط و شرط اصلی آنراهم درعمل تامین رهبری خود شان تعیین می کنند. این نیروها "سرکردگی" درجبهه متحدنیروهای خلقی رابه یک امر ارادی وفرمایشی وحتی به یک پیش شرط تبدیل می کنند، بایدپرسید کدام سازمان سیاسی علاقه وآرزوندارد که خوددرراس جبهه متحدنیروهای مردمی قرارگیرد؟ روشن است که همه سازمانهای سیاسی چنین تمایلی دارندوبرای آن نیزمبارزه می‌کنند. اما اگرهریک بگویندکه رهبری ما،یا رهبری ائتلاف ما شرط تشکیل جبهه است، اگرآنها برای مردم ونفوذ ونیروی توده‌ای درتعیین سرکردگی جبهه نقش قائل نشوند، اگررهبری جبهه راامری ارادی وفرمایشی بشناسند آیا دیگرراهی برای تشکیل جبهه باقی می ماند؟ بدیهی است که پاسخ منفی است ودرچنان صورتی، نتیجه مبارزه‌هم منفی است.

جدایی ازجنبش توده ها

می پرسیم آیا این همه "انشعاب" درمیان مبارزین چپ موجب انشعابی درصف توده‌های مبارزشده‌است؟ آیا آن "خط ومرز" هایی که اینطورنیروهای چپ رادسته دسته می‌کند تاکنون به صفوف توده‌ها راهی یافته‌است؟ آیا خودمبارزین چپ می توانندانتظارداشته باشندکه این دسته بندیها بازتاب ذهنی و عینی درمیان توده‌ها بیابد؟ پاسخ منفی است. اساسا" مسائل موردبحث ومشاجره این مبارزین برای توده های مردم ناشناخته‌اندومسایل آنها نیستند. نشناختن روندومنطق مبارزه مردم وپیوندندادن و هماهنگ نکردن پیکارخودباآن سرچشمه‌ایست که انبوه کجرویها ازآن می جوشد.

سخن همیشگی ما باگروه‌هائی مانند اقلیت "سازمان چریکهای فدائی خلق" راه کارگر، وهمراهان آنان دراساس این بوده، درست است که شماآرزویی جز آزادی وخوشبختی مردم ندارید، اما بکارفعال توده‌ای، به کارفعال سازمانگرانه در میان زحمتکشان نمی پردازید.

مبارزین چپ برای اینکه آرزوهای مردمی خودرابه مردم بشناسانند، نخست باید آرزوها وخواستهای واقعی توده‌ها را درک کنند. آرزوی دستیابی به سوسیالیسم آنهم درکوتاهترین زمان ممکن آرزوی والایی است اما نگاهی کوتاهی به واقعیتها نشان می‌دهدکه هنوزتاروزی که بهترین آرزوهای مبارزین چپ، توده‌ای شودوآگاهی سوسیالیستی راهنمای حرکت مردم گردد، راه دشواری در پیش است.

مبارزین چپ باید به کم وکیف برآیند عمومی مبارزات مردم توجه کنندوبرای تعیین شعارواتخاذ تاکتیک واقعاً ونه درحرف، آنرامبنا قراردهند. گرایشی که می‌کوشد مستقل ازچندوچون آگاهی وفعالیت توده‌ها حداکثرخواست خودرابه عنوان شعارروزمطرح سازد، نه تنها موردتائیدوتمجیدمردم قرار

بقیه درصفحه ۷

مسایل مبارزین چپ ...

بقیه از صفحه ۶

نمی‌گیرد، بلکه مردم با آن احساس بیگانگی می‌کنند. رهبران جنبش کمونیستی بارها و بارها گفتند و آزمون همه انقلابها نیز ثابت کرده است که توده‌ها تنها آن شعاری را از آن خودمی‌دانند که آنرا بفهمند و با مبارزات خود منطبق بدانند. تنها شعارهائی که واقعا با سطح رشد آگاهی و مبارزه توده‌ها هماهنگ است، در مبارزه توده‌ها جا باز می‌کند و به شعار آنان بدل می‌شود. شعارهائی که مردم میبایست گرد آنها بسیج شوند و برای تحقق آنها مبارزات واقعا موجود خودرا پیش ببرند، باید بیانگر فشرده خواستهای زنده خود آنان باشند. مساله سازماندهی حرکت و مبارزه عملا" موجود مردم است نه سازماندهی یک ماجرای خیالی و ذهنی برای انان یا بنام آنان!

بیگانگی با تئوری و برنامه جنبش جهانی کمونیستی

مبارزین چپ همواره می‌گویند که مسائل را " در پرتو مارکسیسم - لنینیسم " باید حل کرد. اما آنها با مارکسیسم - لنینیسم خلاق، یعنی با تئوری و مشی مشترک جنبش جهانی کمونیستی حداقل بیگانه و در بسیاری موارد در ستیزند. چنانچه این مبارزین به مارکسیسم - لنینیسم خلاق مجهز بودند، مساله اساسا به گونه دیگر پیش می‌آمد و در آن صورت مبارزه توده‌ها برای آنان اهمیت ویژه خودرا می‌یافت، روند و منطق این مبارزه بدرستی شناخته می‌شد و راه هماهنگی و پیوند با آن هموار می‌شد. اما اکنون چنین نیست. گروههای مبارز مورد نظر اگرچه بطور کلی آرمانهای طبقه کارگر را می‌ستایند و بطور نایکسان و بالقوه هریک دارای استعدادی برای شناخت و گزینش اندیشه و مشی واقعی طبقه کارگر هستند، اما بدلیل جدائی‌شان از مبارزات توده‌ها، بدلیل اینکه در موقعیتی قرار نگرفته‌اند که به حل مسایل واقعی مبارزه مردم بپردازند اغلب در دایره همان خطاهای قدیمشان گرفتارند.

مارکسیسم - لنینیسم برپایه بررسی و جمعبندی روندهای عینی، در پیوند با مبارزه واقعی که طبقه کارگر و نیروهای مردمی در سراسر جهان پیش می‌برند و با جذب خلاقانه ثمر علم و فرهنگ بشر پیوسته تکامل می‌یابد و تازه‌تر می‌شود. این حاصل کار مشترک همه کمونیستهای دنیا است که در سراسر جهان، در مبارزه بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم شرکت داشته و در راس این مبارزات قرار دارند. جنبش جهانی کمونیستی همواره بر تئوری و برنامه مشخص و مشترکی برای برخورد با روندها و روندهای انقلابی جهان و رهبری جنبش انقلابی مجهز است. تئوری و برنامه مشترک جنبش جهانی کمونیستی پایه‌ای است که گردانهای کمونیست و کارگری همه کشورها را یاری می‌کند تا روندهای مبارزه را در کشور خود بشناسند و استراتژی - تاکتیک مناسب جامعه خودرا به درستی وطبق یک اصول روشن پایه ریزی و تنظیم کنند. اسناد گردهمایی‌های احزاب کمونیست و کارگری در سالهای ۶۰-۶۹ که توسط سازمان ما ترجمه و انتشار یافته است، آن اسناد برنامه‌ای هستند که جمعبندی مشترک و مشی عمومی کمونیستهای جهان را در روزگار ما توضیح می‌دهند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تکامل و ارتقاء تئوری و برنامه جنبش جهانی کمونیستی و در تهیه این اسناد برنامه‌ای نقش درجه اول داشته و دارد. برخی از مبارزین چپ، علیرغم شعارهای پرشور خود در ستایش از مارکسیسم - لنینیسم، حتی مطالعه یکبار این اسناد را نیز برخود ممنوع و حرام دانسته‌اند و با خیال برپا کردن یک " جنبش کمونیستی " دلخواه خود، با جنبش کمونیستی جهانی واقعا موجود برخورد ستیزه‌جویانه و بی فرجام خودرا ادامه می‌دهند و خصوصا در این تلاشند که با " مرزبندی مشخص " با حزب کمونیست اتحاد شوروی هویت خودرا " مشخص " کنند! هرگروه و هر انشعاب تازه‌ای از یک گروه و گاهی حتی یک آدم به تنهایی بخود اجازه می‌دهد که راه و رسم مشترک کمونیستهای جهان را مردود اعلام کند! و مدعی شود که این اوست که حتما برای اولین بار می‌خواهد راه و رسم " کمونیستی " را بکرسی بنشاند و ...!

طبیعی است کسانی که زیر پرچم مارکسیسم نظر مشترک کمونیستهای جهان را کنار می‌گذارند و به تنهائی می‌خواهند " مارکسیسم - لنینیسم " را تفسیر کنند و تنها خودرا مرجع خودمی دانند، در کلاف خطرناک باورهای ذهنی اسیر می‌شوند. اندیشیدن به سوسیالیسمی متفاوت با سوسیالیسم واقعا موجود، تلاش برای برپا کردن یک " جنبش کمونیستی " جدا و در برابر جنبش جهانی کمونیستی و تکیه کردن به مارکسیسمی سوای آنچه اندیشه و برنامه جنبش جهانی کمونیستی را پی می‌افکند و در آن متبلور می‌شود همانا بنیان کج و سرچشمه کل آلودی است که جز با اصلاح آن، به هیچ شکلی نمی‌توان به گرفتاریهای مبارزین چپ پایان داد.

ما و مبارزین چپ

مسائل مبارزین چپ، جزیی از مسائل جنبش انقلابی ماست و می‌باید در رابطه تنگاتنگ با نیازهای جنبش حل شود. این نیازها باید شناخته شوند، حلقه‌های اصلی آن تشخیص داده شود و در حل مسائل جنبش مورد تاکید قرار گیرند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تاکید دارد که امروز، مبارزه در راه اتحاد نیروهای مردمی در جنبش ما، وظیفه‌ای مبرم، بنیادی و تاخیر ناپذیر است. ما بنا به مسئولیتی که در جنبش انقلابی کشورمان برعهده داریم، بنا بر اهمیت و فوریتی که برای اتحاد همه نیروهای میهن پرست و مردمی، خصوصا مدافعین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تشخیص می‌دهیم و برپایه هدفهای مشترک بسیار مهم و متعددی که وجود دارد در راه نزدیک کردن و اتحاد عمل و اتحاد هرچه گسترده‌تر نیروهای مبارز و مردمی می‌کوشیم.

گروههای مبارز چپ جای مشخصی در چهارچوب اتحاد نیروهای مردمی دارند. آنها باید متناسب با همین امر در راه اتحاد عمل با سایر نیروها واقعا و بطور موثر پیکار کنند. ما می‌توانیم مبارزه در این راه را به حلقه اصلی مبارزه برای از میان بردن بسیاری از گرفتاریها و پراکندگیها مبدل کنیم. اقلیت، راه کارگر، انشعاب ۱۶ آذر و دیگران علیرغم همه اختلاف نظرها، بر سر برخی از مسایل عمده با سازمان ما دارای مواضع مشترکی هستند. مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا برای تامین استقلال همه جانبه کشور، مبارزه علیه نظام غارتگر سرمایه‌داری و بزرگ مالکی به منظور تامین عدالت اجتماعی و رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان، مبارزه علیه دیکتاتوری و استبداد به منظور تامین آزادیها و حقوق فردی؛ مبارزه علیه حکام راست جمهوری اسلامی که در راه تحکیم نظام غارتگرانه سرمایه‌داری حفظ وابستگی کشور به سیستم جهانی امپریالیستی، سرکوب نیروهای میهن پرست و انقلابی و لگدکوب کردن آزادیهای فردی و اجتماعی گام برمی‌دارند. آماجهای بنیادین و مهمی هستند که میان ما مشترک است. هیچ پیش‌شرطی نمی‌تواند و نباید اتحاد عمل و همکاری نیروهایی را که در این مبارزات شرکت دارند مانع شود یا با اختلال روبرو سازد. ما بکار گرفتن همه امکانات مناسب، برای حل مسایل و حرکت در سمت آماجهای جنبش را لازم و ضروری می‌دانیم. بیائید همه با هم هرچه پرتوان‌تر در راه اتحاد نیروهای خلق در جبهه متحد خلق پیکار کنیم ●

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند!

بقیه از صفحه ۲

فرماندهان شاه دوست حتمی است. چه کسانی جز جانبازان و سربازانی از تبار روزبه‌ها، سرهنگ سیامک‌ها و مبشری‌ها می‌توانستند باشند؟ افسرانی که در بطن نظام آمریکایی ارتش شاه، راه و رسم وفاداری به مردم را پیشه کردند، بر امتیازات و پاداشهای شاه پوزخند زدند، چشم به مدارج و " نعمات " اهدائی شاه نبستند، در اردوگاه ظلم و ستمکاری علیه ستم و ظلم شوریدند، اطاعت کورکورانه را در ارتش درهم شکستند و راه واقعی وانسانی خدمت به میهن و هم میهن را در دامن توده‌ها فرا گرفتند و با اهدای خون پاک خود به راه توده‌ای خود وفادار ماندند. افسرانی که سپاس و احترام خلقی قهرمان را برانگیختند. مردم اینان را فرزندان لایق خود می‌شناسند و همانگونه که به نقش آنان در به پیروزی نشاندن انقلاب ارج می‌گذارند، تلاش ایثارگرانه آنها را در سرکوب ضد انقلاب و بویژه جانبازیهای آنان را در دفع تجاوزات صدام به خاک میهنمان، هرگز فراموش نمی‌کنند. نام هریک از این افسران میهن پرست و وفادار به مردم با قهرمانیها در راه دفع تجاوز صدام همراه است. ودر این میان نام ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریائی و سرهنگ هوشنگ عطاریان افسر شجاع و مدبر نیروی زمینی، بیشتر بر لوح فعالیت انقلابی ارتشیان مبارز می‌درخشد. زمانی که افسران مرتجع و سلطنت طلب، خاک کشورمان را در اختیار ارتش صدام می‌گذاشتند، چه کسی جز این میهن پرستان آشفتگیها را رفع کردند و پیش افتادند تا با امید کامل برای آزادی میهن تجاوزات را درهم شکنند؟

توده نظامیان در نیروی زمینی، دریائی و هوائی بخوبی به نتیجه فعالیتهای این افسران میهن پرست در تقویت خط انقلاب در ارتش و مقابله با تبلیغات افسران مرتجع وشاه دوست، واقف هستند. حرمت انقلابی آنان را جاودانه پاس می‌دارند. همه می‌دانند که دانش نظامی و فن رهبری این افسران انقلابی بطور کامل مصروف حفظ و تحکیم انقلاب بوده است. تصادفی نیست که آنان درست در میدان پر تب و تاب دفاع از استقلال میهن و دستاوردهای انقلاب به درجات بالای نظامی رسیدند و فرماندهی یافتند. امروز از نظر مقامات جمهوری اسلامی، خادمین به مردم " خائن " قلمداد می‌شوند. چراکه خود راه خیانت به مردم را در پیش گرفته‌اند. حکومت با اعدام این انقلابیون بار دیگر خصومت خودرا با راه مردم و دوستداران مردم به ثبوت رساند. حکومت با تبلیغات زهرآگین علیه این افسران و علیه حزب آنها می‌کوشد تا راه و روش و سیاست حزب توده ایران را در نظر مردم مخدوش کند و راه و روش و سیاست سرمایه داران و دشمنان مردم را تطهیر کند. حکومت با اعدام این افسران مردم دوست آشکارتر از همیشه نشان داد که قصد دارد راه دوستی با امپریالیستها را با پیکرهای خونین کمونیستها و دیگر انقلابیون و میهن پرستان مفروش کند.

حکومت بر آن است تا با توسل به سیاست شلاق، زندان و اعدام در مورد نظامیان، اطاعت کورکورانه را به ارتش بازگرداند.

راه رشد افکار انقلابی را در میان ارتشیان ببندد. اما مردم دوستی، ترقیخواهی و میهن پرستی راه خودرا در صفوف نظامیان باز می‌کند. امروز و فرداها و فرداهای دیگر، باز هم روزبه‌ها از ارتش سربرمی‌آورند. همه نظامیانی که قلبشان با مردم است خاطره این افسران میهن پرست را فراموش نمی‌کنند، بلکه از دهانی به دهانی دیگر بازگو می‌کنند. اندیشه‌ای را به اندیشه‌ای پیوند می‌زنند، بازسینه سپر می‌کنند، می‌رزمند و صدها صدف چون افسران شهید تقدیم خلق می‌کنند. راه رزم آوران و قهرمانان پر رهرو خواهد ماند. مردم حرمت فرزندان نظامی خودرا پاس می‌دارند و نام افسران شهید را در کنار یاران قدیمشان در قلب خود جای خواهند داد ●

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ماه ۱۳۶۳ – دوره دوم
سال اول – شماره ۲ – صفحه

حزب جمهوری اسلامی و فعالیت درمیان نیروهای مسلح

مثلی است معروف که می گوید آنچه راکه برخودنمی پسندی، بردیگران مپسند. اما مقامات جمهوری اسلامی این ضرب المثل را برعکس می فهمند.

درجریان محاکمات فرمایشی نظامیان میهن پرست، دادستان وحاکم شرع محکمه همه تلاش خودرا کردندتا به اصطلاح "گناه کبیر" این متهمین، یعنی نقض دستور آیت الله خمینی درباره منع فعالیت سیاسی نظامیان وعضویت آنها دراحزاب را اثبات کنند. همزمان با این تلاشها، ری شهری طی یک مصاحبه رادیووتلویزیونی اعلام کردکه سازمان ما بخاطر به اصطلاح عدول ازهمین فرمان، منحله اعلام خواهدشد. درست یکماه قبل ازمحاکمات فرمایشی واین مصاحبه کذائی، فرماندهی کل سپاه پاسداران اطلاعیه ای رادرمجله پیام انقلاب ۱۹ آذرماه سال ۶۲ درج کردکه جزجواز فعالیت حزب جمهوری اسلامی بین نظامیان نام دیگری ندارد!

اصل مطلب دراین اطلاعیه نه ماده ای بلامانع بودن رابطه ایدئولوژیک وسیاسی وارتباط نظامیان با حزب جمهوری اسلامی است. اگرچه بهتر آن تشخیص داده میشودکه نه آنها خودرا عضوحزب معرفی بکنند ونه حزب عضویت آنان راآشکار نماید! طبق این اطلاعیه "رفت وآمد" نظامیان درمراکزحزب جمهوری اسلامی وشرکت آنها درجلسات عمومی که ازطرف حزب برگزار می شود، "هیچگونه مانعی ندارد" همچنین، "شرکت (نظامیان) در کلاسهای آموزشی کسانی که شخصیت(اجتماعی) آنها برشخصیت حزبی آنها غلبه دارد(کدام یک ازرهبران حزب جمهوری اسلامی ومسئولان حکومت اینطورنیستند؟!)، مانندرئیس جمهور (دبیرکل حزب جمهوری اسلامی) ورئیس مجلس شورای اسلامی (نظریه پردازوچهره سرشناس رهبری حزب...) ومانندآنها بلامانع است." وبالاخره "البته ممکن است افرادی(پاسدارانی) که درگذشته درسازمان ویاحزبی بوده اند، براساس شناختی که ازهم دیگردارند دریک نقطه باهم کارکنند ویکدیگر راجذب نمایندو..." وبه زبان تشکیلاتی یعنی حوزه تشکیل دهندومحفل حزبی بسازند!

قلع وقمع نظامیان میهن پرست ازیک سو وصدوراین اعلامیه ازسوی دیگربخوبی نقشه وسیاست حکومت رادرموردفعالیت سیاسی نظامیان افشاء می کند.

اصولا" آماج عمده "فرمان" سال ۵۸ آیت اله خمینی ازهمان ابتدا هم، منع فعالیت نظامیان دراحزاب وسازمانهای انقلابی بود. این حکم درعمل بمثابه اتخاذ استراتژی تهی کردن ارتش ازنظامیان ترقیخواه و میهن پرست بود. بدنبال این اقدام بودکه موج اخراج ها و"پاکسازی" ها ابتدا ارتش وبعدها سپاه پاسداران رافراگرفت وهمزمان باآن، تحت لوای "بازسازی" استمالت از افسرانی که سابقه فعالیت مستمرضدانقلابی داشتندشروع وافسران شاهدوستی که پس از انقلاب ازنیروهای مسلح کنارگذاشته شده بودند، دعوت به کارشدند. دستگیری وزیرشکنجه بردن عده ای ازمیهن پرست ترین نظامیان به دلیل طرفداری آنان ازاندیشه های مردمی حزب توده ایران مرحله بعدی استراتژی تهی کردن ارتش ازپرسنل انقلابی بود وچندی پس ازآن بودکه خبرتصفیه وبرکناری عده ای ازفرماندهان مسلمان وفادار به آرمانهای انقلاب درسپاه پاسداران بگوش رسیدواینک زمامداران حکومتی پس ازتصفیه های تندو خونین نظامیان را مطمئن می سازندکه حضور آنها دراحزاب ودسته جات "خودی" هیچ مانعی ندارد. البته حضورنظامیان شاهدوست وآمریکایی هم مدتهاست که تضمین شده است.

بدین ترتیب کاملا فاش می شود که منظوراصلی ازگزینش این استراتژی، بههیچ وجه تحقق این امرخیالی نبوده که ارتش ونیروهای مسلح درعرصه سیاسی نقش نداشته باشند. منظور آن بوده که نظامیان میهن پرست کنارگذاشته شوند ونیروی مسلح به وسیله بلا اراده سرکوب مبارزات سیاسی مردم بدل گردند.

نیت رهبران جمهوری اسلامی این بوده که سپاه پاسداران به بازوی مسلح حزب حاکم، تبدیل گردد وارتش درخدمت پیشبرد اهداف آن قرارگیرد.

این امرکه گویا نیروهای مسلح باید مستقل ازطبقات واقشارجامعه وسازمانهای سیاسی آنها باشند، سخن حکامی است که میخواهند دربرابرمردم بازوی مسلح خودرا بیگزند ومطیع نگهدارند. این حرف بی پایه و دروغ، بارها وبارها درطول تاریخ ازسوی حکومتهای ضدمردمی وغیرمردمی پیش کشیده شده است. محمدرضاشاه هم میگفت که ارتش راباسیاست واحزاب سیاسی کاری نیست، اما درهمان حال همه نیروهای مسلح رادرخدمت اهداف خودو اربابانش قرار می دادودهها بارهم آنراعلیه مردم بکارگرفت. دوستان صمیمی زمامداران جمهوری اسلامی درپاکستان وترکیه هم، همین راتکرارکرده اند. ژنرال ضیاء الحق زمانی می گفت ارتش راباسیاست کاری نیست ودرست وقتی هم که توسط ارتش، قدرت ازنوع آمریکایی را بدست گرفت، بازگفت که ارتش به سیاست نمی پردازد وفقط "امنیت" راتامین می کند! حرفها واعمال ژنرال اورن هم دقیقا" رونوشت ضیاء الحق پاکستانی است! درموارد مشابه دیگرهم، وضع همین است! درطول تاریخ، تنها حکومتهای مردمی ونیروهای مردمی بودندوهستندکه صادقانه وآگاهانه این اعتقادرا درمیان توده مردم ونظامیان اشاعه می دهندکه: ارتش هرگز نمی تواند ازطبقات اجتماعی، سیاستها و ایدئولوژی های آنها واحزاب وسازمانهای سیاسی آنها جداباشدونباید هم جداباشد.

تجربه تاریخی کشورخودما هم دقیقا موید این امراست. دربرابر رضاخان میرپنج در راس قزاقهای طرفدارانگلیس کلنل محمد تقی خان پسیان، این افسرآزاده واستقلال طلب حضورداشت. دربرابرژاندارمهای قلدر رضاشاه سرگردابوالقاسم لاهوتی سربلند کرد. درصفوف نیروهای مسلح پس ازشهریور ۲۰، ازیک سومیهن پرستان قهرمانی چون روزبه‌ها، سیامک‌ها، وکیلی ها وافسران ملی گرایی چون ممتاز وافشار طوس وازسوی دیگرنظامیان خائنی چون زاهدی ها ونصیری‌ها و... به چشم میخورند. اویسی ها وازهاری ها ودرمقابل آنان جانبازان لویزان، نظامیان قصاب ۱۷ شهریورودربرابر، سربازانی که گلهای اهدائی مردم راهمچون نشان افتخار به سینه نشاندند، درمقابل خسروداد و گارد وفادار به سوگند آمریکائی، همافران قهرمانی که آژیرسقوط رژیم سلطنتی را به صدا درآوردند. پس ازانقلاب هم دربرابر دریادار مدنی ها که درکشاندن مجددایران زیرسلطه آمریکا بی تابی میکرد، میهن‌پرستی چون ناخدا شهرام افضلی ودربرابرکودتاچیان نوژه وباقری‌ها، افسرشریف ولایقی چون عطاریان دیده میشود. هم اینک نیز آن دسته ازارتشیان میهن پرست که براه مردم وفادارمانده اند، به غل وزنجیروپای چوبه اعدام می کشند.

درسپاه پاسداران هم، پاسداران انقلابی زیرتیغ تصفیه قرارمی گیرند. اما درهمان حال، سکان فرماندهی ارتش باتعجیل تمام به شاه دوستانی که اکنون چانه بله قربان گویشان زیرانبوه ریش پنهان شده است، سپرده می شودوزمام امور درسپاه بیش ازپیش دست نمایندگان تجارعمده فروش وگردانندگان میدان تهران می افتد.

باتوجه به اینها باید پرسیدکه حکومت بدنبال فریب چه کسی است!؟ مگرمردم ما به اعتبار تاریخ غنی خودوبویژه تجارب گرانقدرسالهای اخیرنمیدانندکه نیروهای مسلح جزء لاینفک جامعه اندونمی توانندخارج ازمیدان تاثیراحزاب وسازمانهای سیاسی جامعه باشند؟ زمامداران جمهوری اسلامی، نه اینکه درسهای تاریخ راحفظ نیستند ویا واقعیت رانمی فهمند، بلکه آنها خودرا به تفهمی می زنندتابه آماجهای نامردمی خود برسند. مگرصدورهمزمان حکم قلع وقمع نظامیان میهن پرست ودوستدارمردم درارتش وجواز "بلامانع بودن" فعالیت حزب جمهوری اسلامی درارتش به اندازه کافی ازنقشه ها پرده برنمی دارد؟ بهرصورت هیچ جوازی، نظامیان راازآن امثال حزب جمهوری اسلامی نخواهد کردوهیچ ممنوعیتی هم راه گسترش اندیشه وپیکارمردمی رادرمیان نظامیان نخواهدبست. قطعا روشن است که نظامیان میهن پرست ووفادار به مردم باالهام ازنیروهای انقلابی وترقیخواه، خودراجهت خدمت به مردم خویش، تجهیز خواهندکرد.

نظامیان میهن پرست درشرایط کنونی باروشنی بازهم بیشتری آرزوها وخواسته های خودرا درسازمانها واحزاب ترقیخواه منعکس خواهند دید●

گرانی : غارت بی بندوبار مردم

بقیه ازصفحه ۵

جمهوری اسلامی برای به اصطلاح مبارزه با احتکاروگرانی معتمدین بازار! راموظف کرده است تادرجریان این "مبارزه‌ضربتی" به دادسراهای صنفی کمک کنند. "درضمن در جهت کارایی هرچه بیشتروبهترمسائل صنفی دادسراها که بیشترجنبه فنی دارد، قراراست باهماهنگی برادران بازاری متعهدواصیل برای اظهارنظردرپرونده بازبرسی استفاده کنیم. دراین زمینه طرحی تهیه شده است که خودآنها ازبدوتشکیل پرونده تاآخرناظربر جریان بوده ..." (اطلاعات ۱۲ دی ماه ۶۲).

بدینوسیله جمهوری اسلامی مبارزه با احتکار وگرانی وگرانفروشی رابدست تجارمحترم و متعهد! داده است تاهرچه بیشترمردم را بچاپندوفروشنده‌های جزء راقربانی سودهای کلان خودکنند. دادستان ویژه امورصنفی (غلام رضاکلهر) برای تکمیل این سناریو اعلام کرده است که برای طرح کنترل قیمت کالاها اکیپهایی موسوم به "گشت انصارالله" تشکیل داده است. رهبران جمهوری که ازعملکرد گشتهای "ثارالله"، "جندالله" و... در سرکوب نیروهای انقلابی رضایت دارند، این بار برای تامین غارت تجاربزرگ باچماق سرکوب به سراغ فروشندگان جزء رفته اند.

سیاستهای جمهوری اسلامی تنها درجهت تشدیدبحران اقتصادی است وریشه گرانی هم درهمین سیاستهاست. برای مقابله باتورم وگرانی دم افزون درکشورباید باغارتگری بی بندوبارسرمایه داری وباسیاستهای ضدمردمی مبارزه کرد●

"تجار محترم" و مسأله مالیاتها

وضع مالی حکومت بحرانی است. دولت یکی از راههای برون رفت از بحران را در اجرای سیاست مالی جدید میداند. اما برنامه مالیاتی دولت بلافاصله یکی از موارد اختلاف درون دستگاه حکومت تبدیل شده و درگیری درون حکومت را دامن زد و حتی نیروهای حکومت را به جبهه‌گیری آشکار علیه یکدیگر کشاند. درگیری در واقع حول این موضوع مهم متمرکز شده بود که چه کسانی رقم اصلی مالیات را خواهند پرداخت؟ ثروتمندان و میلیاردرها و بانداردارها و تهیدستان؟ طبیعتاً تامین رضایت "بازاریان محترم" این "استوانه های جمهوری اسلامی" در مرکز توجه همگی بوده است. کار این منازعه به آنجا کشید که آیت الله گلپایگانی طی فتوایی که در بازار و مساجد وسیعاً پخش گردید، پرداخت مالیات را خلاف شرع نامید. (کیهان ۳۰ آذر) متقابلاً آیت الله خمینی علیه آن موضعگیری کرده و کوشید ابتکار دفاع از منافع بازار را همچنان در دست حکومت نگهدارد. این کشمکش که از محافل خصوصی به سطح جامعه کشیده شد بالاخره با توافق طرفین فرو نشست و به مجرای معمولی خود افتاد. آخرین اقدام رسمی در زمینه مالیاتها پیش نویس لایحه مالیاتی است که از طریق وزیر اقتصاد به دولت ارائه شده است و درهمین جهت است. بدون شک نویسندگان پیش نویس در تهیه و تدوین آن، موضع مخالفان را مورد تهاجم قرار داده و دولت نیز هنگام بررسی آن این کار را خواهد کرد. دراین پیشنویس "سرمایه گذاری در واحدهای مختلف تولید" و "تهیه و ایجاد مسکن" و "درآمدهای ناشی از تولیدات کشاورزی" و "صادرات" و نیز "سپرده هایی که مردم در بانکها دارند"، مشمول بخشودگی مالیاتی جزیی یا کلی قرار گرفته اند (نمازی ۲۰ بهمن). این سرمایه گذارها چه کسانی هستند؟ صاحبان سرمایه خرد یا میلیونرها و میلیاردها؟

مشکل کنونی مالیاتی از اینجا بوجود نیامده است که حکومت درتلاش به منظور تامین عدالت اجتماعی ورشد اقتصادی کشور، مالیات پولدارها را افزایش داد. این مساله از آنجا اوج گرفته که حکومت برای تامین هزینه‌های خود وبطور مقدم وعمده برای هزینه جنگ به پول واعتبار نیاز مبرم دارد. فروش نفت واخذ وام از بانک مرکزی وسرکیسه کردن مردم این نیاز را به حد لازم رفع نکرده. از اینرو دولت دست تکدی بسوی "تجار محترم" و به تعبیر مسئولان حکومت "استوانه‌های انقلاب" دراز کرد. اما این "استوانه‌ها"، این میلیاردها، فتوای شرعی کف دست دولت گذاشتند که، اصلا کلمه مالیات دراسلام وجودندارد و اخذ آن خلاف شرع مقدس وخلاف احکام اولیه است. بدین ترتیب کار به "بگو و مگوی" طرفین کشیده شد. اما مسئولان حکومت پس از جر و بحث با "تجار محترم" موافقت کردند که مالیات آنها را کمیسیونی بعنوانه که مهارآن بطور کامل درچنگ خودشان باشد تعیین کند. یک نفر نماینده مستقیم از سوی تاجران بزرگ بازار، یک نفر از "جامعه روحانیت مبارز تهران" که بازهم از خود آنهاست، یک نفرهم از وزارت اقتصاد که البته نمی‌تواند از ایشان نباشد، می‌نشینند و "شور" می کنند که بالاخره این "استوانه" های جمهوری چقدر باید مالیات بدهند!

اکنون کارگران وکارمندان از مسئولان می پرسند آیا شما اجازه می دهید مالیات بر حقوق ما راهم کمیسیونی مشابه با شرکت نماینده اتحادیه‌های کارگری وکارمندی تعیین کند؟

پاسخ حکومت چیست؟ اتحادیه های کارگری وکارمندی "غیرقانونی" است وجای نمایندگان آنها درزندان است! آری، درحکومت جمهوری اسلامی فقط "تجار محترم" حق دارند اتحادیه داشته باشند وجودشان مالیات خودشان را تعیین کنند. روش حکومت دربرابر زحمتکشان ۱۸۰ درجه با روش آن دربرابر سرمایه داران تفاوت دارد. طبق گفته رفسنجانی حکومت "از اینها (زحمتکشان) به آسانی مالیات میگیرد" و "خیلی آسان سرماه که میشود مالیاتش را برمیدارد". این گفته ها بقدر کافی گویاست. درمورد مالیات حقوق بگیران، هم قیچی وهم ریش دست دولت بوده وهست.

> درمورد مسئله مالیاتها، آن سیاستی با منافع مردم منطبق است که راه حفظ و رشد سرمایه های کلان را ببندد و در سمت نابودی کلان سرمایه داری و بزرگ ـ مالکی باشد، نه در خدمت مسلط کردن آن در عرصه تولید و توزیع.

زندگی کارگران وکارمندان ودیگر زحمتکشان نشان می دهدکه حکومت "مستضعفان" به خالی کردن جیب زحمتکشان وپرکردن کیسه ثروتمندان مشغول است. نمونه مالیات سال ۶۱ مویداین مطلب است. درسال ۶۱، مالیاتی که حقوق بگیران پرداخت کرده اند سه برابر بیشتر از مالیات بر مشاغل بوده است (گزارش نخست وزیر به مجلس). یا نمونه گویای دیگر اظهارات بادی نماینده نجف آباد است: "بعد از انقلاب بیش از (۶۰۰) میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی کرده ایم وآنهم تعداد افراد بسیار محدود، ولی رسم آنها معین نیست" (اطلاعات ۹ آذر).

سرمایه داران هنوز، کوشیدند ومی‌کوشند که حکومت به اخذ مالیات مستقیم مبادرت نکند وبجای آن با افزایش مالیات غیرمستقیم درمجموعه مالیات، این مساله به نفع آنها حل شود. تمام شواهدوقرائن نشان می‌دهند که سرمایه داران درپیشبردنظرخود پیروز شده اند. اکنون افزایش قیمت بیسابقه آب، برق، گاز، مسکن، آموزش، درمان، بهداشت و سایرخدمات دولتی این حقیقت را آشکارتر ساخته است که حقوق بگیران با درآمد کمتر از ۴۰۰۰ تومان ظاهرا" از مالیات معاف شده اند ولی درواقع امر، هستی آنان توسط سرمایه داران وحکومت حامی آنها تاراج می شود. بدین ترتیب حکومت دهها میلیارد تومان مالیات را از سرمایه داران نمی گیرد، بلکه بر زحمتکشان کشور تحمیل می کند. بهای سیاست ضدمردمی حکومت را زحمتکشان کشور می پردازند.

علاوه برآنچه گفته شد، فشار بر زحمتکشان فقط به سیاست مالیاتی حکومت محدود نمی شود، بلکه همه سیاستهای حکومت این فشار را باز هم تشدید می کند. نگاهی به منابع درآمد وتامین اعتبار وموارد هزینه ۶۳ وسالهای قبل روشن می سازدکه درجمهوری اسلامی همه ساله تکیه یکجانبه برنفت ومالیات افزایش یافته است. دررژیم پهلوی نیز نفت ومالیات منابع اصلی تامین بودجه بودند. درآن زمان نسبت واردات به صادرات کشور به حدود ۴۰ برابر رسیدورژیم شاه با صدور سالانه ۲۵۰ میلیون تن نفت، سیاستهای ضدملی خوررا پیش می بردوکالا وتسلیحات از غرب می خرید. با وجوداین رژیم شاه قادربه کنترل بحران نشد. اکنون وضع منابع درآمدها چگونه است؟ ازیک طرف صادرات کشوراعم از صنعتی وکشاورزی به صفر رسیده است. ازطرف دیگرجمهوری اسلامی به تولیدنفت درسطح محدودتر مجبورگردیده است. باتوجه به نوسانات بازار وقیمت نفت، درآمدهای ناشی از آن همواره درمعرض تغییروکم شدن است. بدین ترتیب سردمداران حکومت با سیاست دفاع از منافع غارتگرانه سرمایه داران، علیرغم ادعاهای پوچ شان درراه افزایش فشار بیشتر بر زحمتکشان پیش می روند.

آیا طراحان ومجریان این سیاستها می توانندمردم را به تحمل این همه فشار وبدبختی راضی کنند؟ مردم سوال می کنند چراحکومت از هزینه ها نمی‌کاهد؟ چرا جنگ را ادامه می دهد؟ چرا تولیدات را مختل ونابود کرده؟ چرا دست چپاولگران اینجوربازشده؟ چرا میلیاردها تومان برای خریداسلحه تقدیم آمریکا ودیگرامپریالیستها می‌شود؟ چرا سرمایه های کلان به بهانه کارتولیدی ویا صادرات وکاردربخش کشاورزی وهزاردلیل دیگراز مالیات معاف می شوند؟ رهبران حکومت پاسخ می دهند: "ما توی مجلس هرچه بحث می کنیم که یک مقدار از این بودجه جاری بزنیم، می بینیم هیچ جا ندارد... نه ارتش را می‌شودتعطیل کرد، نه جنگ را می‌شودتعطیل کرد، هیچ کار نمی شودکرد دیگر" (رفسنجانی ۲ دی ماه) درحقیقت این سیاستها که تمام کمال برخلاف وبرضدمصالح ملی وخواستهای مردم است اجازه چنین کاری به مسئولان حکومت نمی دهد. علت افزایش مداوم هزینه های کشوررا بایددر سیاست حکومت جستجوکرد. طبق این سیاست جنگ مساله اصلی کشورمعرفی ونزدیک به یک چهارم بودجه کشورصرف مخارج اداره جنگ می شود. البته هزینه تبدیل ایران به پادگان بزرگ نظامی وزندان بزرگ انقلابیون ومیهن پرستان، فرزندان مبارزمردم، هزینه کوچکی نیست وطبیعتا درآمدها چیزا هالی مملکت راخواهدبلعید. سیاست حفظ وتحکیم نظام غارتگربازمانده ازدوران شاه، سیاست بازکردن تمام دروازه‌ها بروی کالاهای امپریالیستی، سیاستی که علیه آرمانهای انقلاب بهمن جریان دارد، درعرصه مالیاتها نیز مختصات خودرا به نمایش می گذارد.

درموردمساله مالیاتها، آن سیاستی با منافع مردم منطبق است که راه حفظ و رشدسرمایه های کلان را ببندد ودرسمت نابودی کلان سرمایه داری وبزرگ مالکی باشد، نه درخدمت مسلط کردن آن درعرصه تولید وتوزیع.

■

دست سرمایه داران باید از تجارت خارجی کوتاه شود!

پیام شادباش احزاب برادر، به‌مناسبت ۱۹ بهمن

از سوی احزاب برادر و احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد تولد سازمان فدائیان خلق ایران، پیامهای شادباشی به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارسال شده است.

ما از همه احزاب و سازمانهای همرزم، بدین مناسبت و بخاطر احساسات شورانگیزی که در این پیام ها نسبت به سازمان ما و نسبت به مبارزات مردم ایران، ابراز شده است، صمیمانه سپاسگزاری می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چکیده‌ای از پیامهای شادباش احزاب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هند (مارکسیست)، به مناسبت ۱۹ بهمن

پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت ۱۹ بهمن

به‌کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به‌نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم انقلابی وبپاخاسته جمهوری دموکراتیک افغانستان بهترین شادباشهای رفیقانه وبرادرانه را توام با احساسات گرم همبستگی انترناسیونالیستی بمناسبت آغاز چهاردهمین سال بنیانگذاری سازمان قهرمانان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" به کمیته مرکزی وتمام اعضای دلیروباشهامت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) وبه‌همه مردم رزمنده وانقلابی ایران ابراز می دارد.

اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان باتاریخ پرافتخار مبارزات حماسه آفرین دلیرمردان وشیرزنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمثابه وطن پرستان صدیق وپیگیر علیه سلطه خونین رژیم جبار و دیکتاتوری سلطنتی محمدرضاشاه وسهم شایسته وقهرمانانه آن در پیروزی انقلاب دلو ۱۳۵۷ خلق ایران آشنایی کامل داشته ونقش بزرگ وشایسته‌ای راکه امروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ازمواضع قاطعانه مارکسیستی ـ لنینیستی وانترناسیونالیزم پرولتری درجهت دفاع از انقلاب ایران ومبارزه علیه جریانات ومحافل قشری ومرتجع ووابسته به‌امپریالیسم در ایران ایفا می‌کند ستایش می کنند...

مردم افغانستان که باخلق برادر ایران دارای پیوندهای ریشه دار وعمیق تاریخی و فرهنگی می باشند، دراین اوضاع واحوال پررنج ودشواری که برمردم ایران تحمیل گردیده است، باقاطعیت واستواری درکنارخلق برادر ونیروهای انقلابی ایران قرار دارد.

ما آرزومندیم وایمان کامل داریم که وحدت حزب توده ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، یک گام مهم تاریخی بوده وپایان این روزگار سیاه را برای مردم ایران نزدیک خواهد ساخت.

زنده باد دوستی خلل ناپذیر برادرانه میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین بمناسبت ۱۹ بهمن

به‌کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین (CPF) آرزو دارد، گرمترین تبریکات خود را بمناسبت چهاردهمین سالگرد درهشتم فوریه به شما برساند.

سازمان شما یک سازمان حقیقتا انقلابی است، که درشرایط سخت فشار، مبارزه دمکراتیک خود را به پیش می برد. دراین زمینه کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه شما برای آزادی وترقی اجتماعی ابراز می‌دارد.

با درودهای برادرانه

فیلی سیمو ـ س ـ ماکاپاکال

دبیرکمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

۱۵ ژانویه ۱۹۸۴

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

رفقای عزیز!

با شادباش به جشن شما، یکبار دیگر کمونیستهای یونان همبستگی خود را با کمونیستها و دیگر میهن پرستان ایرانی که تحت شکنجه و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند، اعلام می نمایند.

تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی که رهبران رژیم ایران براه انداخته اند، دستاوردهای انقلاب ایران را به نابودی میکشانند و عملا ایران را به‌آغوش امپریالیسم سوق میدهد.

حزب کمونیست یونان بارها و به‌شیوه های گوناگون، اعتراضات شدید خود را نسبت به سرکوب کمونیستها و دیگر میهن پرستان ایرانی ابراز داشته و همچنان همبستگی و حمایت قاطع خود را از مبارزه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست ادامه خواهد داد.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

آتن ـ ۲۴ فوریه ۱۹۸۴

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (دفتر مرکزی) بمناسبت ۱۹ بهمن

دبیرکل: س. راجیشوارا رائو

به‌کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

این موجب مسرت ماست که بمناسبت چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمانتان به‌شما تبریک بگوییم. تاریخ فناناپذیر سازمان شما باخون وفداکاریهای بسیار درخشان درمدت کمتر از یک ونیم دهه نوشته شده است واین فصلی افتخارآفرین در تاریخ انقلابی جهان است. از اینکه مشاهده می‌کنیم اتحاد ما بین سازمان شما وحزب توده ایران بر اساس مارکسیسم ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم درحال رشد است، خوشحالی بسیار زیاد خود را ابراز می‌داریم.

رفقای گرامی، شما درحال حاضر با شرایط پیچیده ونهایتا مشکلی روبرو هستید. امپریالیسم آمریکا شکستش را در ایران نپذیرفته است. آنها دست به توطئه شوم منحرف کردن راه ایران برای آینده‌ای مستقل ومترقی زده اند. دراین راه آنها از پشتیبانی ارتجاع داخلی که درباز از روشورای نگهبان سازمان یافته است برخوردار هستند. ما به مردم ایران ونیروهای انقلابی آنان که با اتحاد نیروهای انقلابی درحال تحکیم یافتن است ایمان داریم. از طرف شورای ملی حزب کمونیست هند وشخص خودم آرزوی موفقیت برای شما می کنم.

افتخار بر انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی ایران

زنده باد اتحاد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران!

زنده باد مارکسیسم ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم

با درود ـ رفیق شما

(ن.ک. کریشنان)

دبیرشورای ملی وعضو کمیته اجرایی حزب کمونیست هند

۱۵ فوریه ۱۹۸۴ ـ دهلی نو

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) بمناسبت ۱۹ بهمن

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

من بدینوسیله از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) بمناسبت ۸ فوریه، چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تبریکات انقلابی خودمان را ابراز می‌داریم. درمدت این ۱۴ سال حزب شما تحت رهبری کمیته مرکزی آن به رهبری دبیراولش رفیق فرخ نگهدار، تاریخ افتخارآفرینی از مبارزه قهرمانانه برعلیه رژیم استبدادی بیرحم محمدرضاشاه پهلوی وامپریالیسم آمریکا که قائم مقام این رژیم بود، پیموده است. چهارصدوبیست ویک تن از اعضای حزب شما شهید شده اند وعده زیادی شکنجه شده وفداکاریها کردند. کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به‌همه آنها ادای احترام می‌کند...

برادر شما (ای.ام.اس. نمبودیرپاد)

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ماه ۱۳۶۳ ـ دوره دوم
سال اول ـ شماره ۲ ـ صفحه ۱۱

فاجعه های جدید در مسیر تداوم جنگ

بقیه از صفحه ۱

است. کشتار وسیع نیروهای غیرنظامی و موشک باران شهرها در این جنگ تنها با جنایات فاشیستهای هیتلری و جنایات آمریکا در ویتنام قابل قیاس است. صدها هزار نفر از طرفین کشته و زخمی شده اند. صدها میلیارد دلار خسارت به دو ملت ایران و عراق وارد شده است و مناطق وسیعی از اراضی حاصلخیز و آبادهر دو کشور متروک و به ویرانه تبدیل شده اند.

جنگ مطابق نقشه آمریکا و با تهاجم عراق به ایران آغاز شده بود. تجزیه کشور ما و جدا کردن منطقه نفت خیز جنوب، برپا کردن یک حکومت دست نشانده در این منطقه و در نهایت فرسودن و نابود کردن انقلاب بهمن هدفهایی بود که آمریکا در این جنگ آنها را دنبال می کرد.

امپریالیسم آمریکا و ارتجاع عراق به صدور برق آسای ضد انقلاب امید بسته بودند، لیکن فداکاریهای بی نظیر مردم و نظامیان میهن پرست نه تنها توطئه صدور سریع ضد انقلاب را به شکست کشانید و پیشروی نیروهای عراق را متوقف کرد، بلکه اراضی اشغال شده جنوب نیز آزاد شدند. با آزادی خرمشهر توازن قوا در میدانهای جنگ تغییر یافت، در نتیجه هم تهاجم دفع گردید و هم ارتجاع عراق از دستیابی به اهداف توسعه طلبانه و تحقق نقشه های ضد مردمی خود مایوس گشت. مردم ما با جانبازیهای خود رژیم صدام را مجبور ساختند از آتش بس و برقراری صلح بین ایران و عراق جانبداری کند، این یک پیروزی بزرگ برای ملت ایران بوده اما رهبران جمهوری اسلامی این پیروزی را بی نتیجه گذاشتند. جنگ مطابق خواست امپریالیسم آمریکا و به دلیل سیاست مداخله گرانه و جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه یافت.

زمانیکه مردم اصلاحات بنیادین اجتماعی را طلب می کردند مدافعین غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی، که از قبل جنگ کیسه های خود را پرکرده و می کنند با طرح شعار "جنگ مساله اصلی است" با انجام هرگونه اصلاحات اجتماعی به مخالفت برخاستند. آنان با استفاده از قدرت خود و شعار انحرافی "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "جنگ مساله اصلی است" شعار مرگ بر آمریکا را نسی و متروک کردند و صدام و رژیم عراق را فریبکارانه دشمن اصلی "جمهوری اسلامی" جا زدند. بدین ترتیب محافل ارتجاعی ایران، آمریکا را از زیر ضرب خارج ساختند. مناسبات را با کشورهای مترقی به نازلترین سطح ممکن رساندند و تبلیغات بی سابقه ای علیه اتحاد شوروی براه انداختند. اصلاحات اجتماعی و اصول مترقی قانون اساسی را تعطیل نمودند و مدافعان آنرا سرکوب کردند. لیکن شعار "جنگ مساله اصلی است" شعار مردم نبوده و نیست و مردم از آن حمایت نمی کنند. هیچیک از کشورهای ضد امپریالیستی، سوسیالیستی و دولتهای صلح دوست جهان از سیاست "جنگ، جنگ" جمهوری اسلامی حمایت نکرده و بعکس، بشدت و با نفرت آنرا محکوم می کنند. امروز حتی بسیاری از دولتهای محافظه کار هم فهمیده اند که اینگونه سیاستها به سابق تعلق دارد و شکست خواهد خورد. امروز سازمان ملل، جنبش غیرمتعهدها، سازمان وحدت آفریقا و سایرین با ادامه جنگ مخالفند. در شرایط انفرادجهانی سیاست جنگ افروزی جمهوری اسلامی، ارتجاع ایران، بجای قطع جنگ به جلب حمایت یکجانبه امپریالیسم از خود امید بسته است.

رفسنجانی مدعی است که عراق جزو اقمار شوروی است وارتش عراق جزو ارتشهای چپ است. او می‌گوید هنوزهم منبع اصلی تامین سلاح عراق شوروی است. اگر توضیحات معروف او را در دفاع از احیای قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری نظامی شاه با آمریکا در نظر آوریم، اگر به این گفته او که سلاحهای آمریکایی و انگلیسی "برای مردم از نان شب واجب تر است"، توجه کنیم منظور او را از "چپ" قلمداد کردن رژیم خونریز عراق و ارتش آن می فهمیم. منظور او این است که آمریکا عراق را از حمایت خود محروم کند و تنها جانب جمهوری اسلامی را بگیرد. رفسنجانی در جای دیگر منظور حکومت را با روشنی بیشتر بیان می کند و اینطور اظهار می‌دارد: "او (صدام) اگر سرکار بماند هم کشورهای نفت خیز منطقه را با خود به ورطه سقوط خواهد کشید و هم مجری اهداف شوروی خواهد شد". همین رفسنجانی در جای دیگر مشخص می کند که جمهوری اسلامی ایران، حاضر است با آمریکا معامله کند و در ازاء دریافت پاسخ مثبت آمریکا، امتیازات کلی بی سابقه‌ای برای آن کشور قائل شود. این امتیازات، این پاداش کدام است؟ مثلا جمهوری اسلامی حاضر است که در ازاء حل مساله صدام و عراق برای ایران "مساله افغانستان" را برای آمریکا حل کند. یعنی جمهوری اسلامی، حاضر است به جنگ تمام عیار علیه دولت ملی و دمکراتیک افغانستان و علیه انقلاب مردمی ثور دست زند. رفسنجانی در این زمینه بسیار "بوداری" می گوید: "در سایه حل مساله عراق مساله افغانستان قابل حل است. اگر این مساله هم حل نشود در افغانستان مشکلات قابل حل نیست". (رفسنجانی در ملاقات با وزیر خارجه ترکیه ۱۸ اسفند).

در این مسیر، رهبران جمهوری اسلامی مداوم پیش می روند. تاکنون میلیاردها دلار بدهی دربار شاه به موسسات مالی و صنعتی امپریالیستی از جانب ایران پرداخت شده است. میلیاردها دلار صرف خرید سلاح غربی شده است. قراردادهای عظیم اقتصادی با غرب به همان شکل پیشین در حال احیاء و انعقاد است. قرارداد ۴۰ میلیارد تومانی فولاد مارکه، قرارداد ۲۸ میلیارد تومانی نیروگاه اتمی بوشهر با آلمان غربی، قرارداد مجتمع پتروشیمی بندر خمینی با ژاپن، قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری خرید سلاح از آمریکا، قرارداد چند میلیارد دلاری شاه با انگلیس از آن نمونه اند.

هم اکنون دروازه‌های کشور ما به روی کالاهای ساخت غرب کاملا باز گذاشته شده است و سالانه ۲۳ میلیارد دلار کالای خارجی وارد کشور می‌شود و در عین حال جنگ، منابع اقتصادی کشور ما را بیشتر و بیشتر می بلعد. به اظهارات خودشان رجوع کنیم. رفسنجانی می‌گوید: "۵۰ میلیارد تومان که کل بودجه برای جنگ گذاشتیم به اضافه بودجه ارتش به اضافه بودجه سپاه، به اضافه بودجه بازسازی، به اضافه بودجه مهاجران جنگ و به اضافه متفرقاتی که از امکانات وزارتخانه ها، ادارات و امکانات دولت و مردم برای جنگ می‌رود و به اضافه این نیروهای داوطلبی که مردم در خدمت جنگ گذاشته اند، به اضافه بنیاد شهید، به اضافه مخارجی که برای سایر اقلام اینجا را انجام می‌دهیم که از یک سوم کل بودجه کشور هم تجاوز می‌کند، بندرهای ما، راههای ما، قسمت عمده اش در خدمت جنگ است. ۵ استان ما با بخش عظیمی از تولیداتش خوابیده. خوزستان، ایلام، باختران، کردستان، آذربایجان غربی... با توجه به همه اینها که واقعا کافی است که ملت را ازپا دربیاورد". (رفسنجانی ۶۲/۱۱/۲۱). علاوه برآن، برای جبران کمبود سلاح، جمهوری اسلامی به طرح به اصطلاح دفاعی "گسترش نیروهای انسانی" روی آورده است که همان طرح "صف" می‌باشد و طرح "لبیک یا خمینی" جزیی از آن است. تاکنون تحت عنوان طرح "لبیک یا خمینی" صد لشکر و تیپ احتیاط سازماندهی شده است. عظمت نقشه های ماجراجویانه نهفته در اینگونه طرحها و مقایسه با سپاه و ارتش روشنتر می‌شود. ارتش با سپاه هرکدام ۱۰ لشکر را شامل می‌شود. عراق با ۱۰ لشکر به ایران تجاوز کرد. این نیروی بزرگ نظامی بعدا زنیروهای سپاه، ارتش و بسیج، کمیته ها، شهربانی و ژاندارمری است. یعنی جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ، بیش از یک میلیون نفر را آماده کرده است. طرح گسترش نیروهای دفاعی همان تاکتیک حمله با موج انسانی است. معنای عملیاتی چنین طرحهایی فرستادن جوانان و نوجوانان کشور، با تفنگ و بدون آموزش کافی برای مقابله با هواپیما، تانک و توپخانه است. تصادفی نیست که تهران و دیگر شهرها "حجله" باران شده است. رهبران جمهوری اسلامی تمام آحاد ملت ایران را "شهیدان زنده" می پندارند و پروا ندارند که آنها را راهی گورستان کنند. آنها می گویند قصد دارند "انتقام" بگیرند، "قصاص" کنند. درعراق "جمهوری اسلامی" مستقر سازند، می‌گویند سرنوشت جمهوری اسلامی با سرنوشت جنگ گره خورده است. می‌گویند "صلح گناه است". می‌گویند "اگر ما صلح کنیم صدام می‌ماند". هزاران ادعای جنون آمیز و دروغ بی‌شرمانه از این دست، بعنوان دلیل و حقانیت ادامه جنگ ارائه می‌شود. همه این "دلایل" تنها علت و هدف ضدمردمی ادامه جنگ را افشاء می‌کند. این دلایل تنها ثابت می‌کند که ادامه این جنگ هیچ ربطی به خواست مردم ندارد و متضاد با خواست و آرزوی آنها و بسود دشمنان خونی آنهاست.

مردم میهن ما بهمان دلیلی که در آغاز جنگ اسلحه برداشتند و رهسپار جبهه ها شدند، اکنون که مدتها از دفع تجاوز صدام می‌گذرد به همان دلیل یعنی، برای حفظ منافع خود و مصالح کشور از برداشتن اسلحه خودداری، و با ادامه جنگ مخالفت می کنند.

نارضایتی و اعتراض مردم، هرروز مشهودتر می‌شود. سربازان و بسیجی ها از ماندن در جبهه ها امتناع می‌کنند. ابعاد فرار سربازان و نارضایتی بسیج از ادامه جنگ بحدی رسیده است که آیت اله خمینی خودش برای تخفیف این موج موضع گیری آشکار کرده است. آیت اله خمینی گفت: "از قراری که به من گفتند، همین ها که بسیجی هستند فکر کردند که ایام عید را بیایند اینجا... چه عیدی شما دارید؟ شمایی که آنجا اینطور گرفتار هستید که آنجا بمبهای مسموم روی شما می ریزند، حالا شما چه عیدی دارید؟ بیائید برای عید جبهه را خالی کنید؟"

اکنون موج مخالفت با جنگ در حکومت نیز روبه گسترش است. آیت اله خمینی در همان سخنرانی اظهار داشت: "اشخاصی که بنظر می‌آید مغرض هم نیستند، بنظر می‌آید که متدین هم هستند، صحبت می کنند از اینکه چرا صلح نمی شود و می باید اصلاح بکنید، جوانها کشته می شوند" در پاسخ وی گفت: "اینان دیدشان ناقص است. اگر عقب نشینی کنیم اسلام را شکست داده ایم".

رهبران جمهوری اسلامی صلح نمی خواهند اما مردم می‌توانند صلح را در پرتو مبارزات خود تامین کنند و حتما هم چنین خواهند کرد.●

پیروزی میهن پرستان لبنان

مقاومت وپیکار میهن پرستان لبنان علیه اشغالگران آمریکایی و اسرائیلی بسرعت گسترش می یابدودستاوردهای تازه ای ببار می آورد. آنان موفق شده اند، امپریالیسم جهانخوار آمریکا ومتحدین آن ودولت امین جمیل را مجبوربه عقب نشینی کنند.

میهن پرستان لبنان ازهمان ابتدای حمله رژیم صهیونیستی اسرائیل به لبنان نبردقاطعی راعلیه اشغالگران آغازکردند. آمریکا برای سرکوب میهن پرستان ودرتکمیل اشغال لبنان حدودبیست ماه قبل بهمراه متحدین خود، تفنگداران دریایی رادرپوشش باصطلاح "نیروهای چندملیتی حافظ صلح" به لبنان گسیل داشت وناوهای جنگی را در سواحل لبنان مستقرنمود. توپهای نبرد ــ ناوهای آمریکایی دراین مدت مداوما مواضع نیروهای ملی ومترقی لبنان، رزمندگان فلسطینی و نیروهای سوریه رازیرآتش خودگرفتندو هواپیماهای نیروی دریایی آمریکا شهرها و آبادیها رابمباران کردند. اشغالگران مدرنترین وسایل قتل وکشتار رادرمورد ملت لبنان باقساوت تمام به آزمایش گذاشتندو مردم لبنان رابه خاک وخون کشیدندولبنان رابه ویرانه تبدیل نمودند. امپریالیسم ددمنش آمریکا ورژیم صهیونیستی اسرائیل درعرض ۲۰ ماه به وحشیانه ترین جنایات علیه میهن پرستان دست زدند. دولت ریگان واسرائیل درماه مه گذشته قراردادسازش باری رابه لبنان تحمیل کردندکه برمبنای آن می خواهندلبنان راازسوریه ودیگرکشورهای عربی جداکنندوامکان پشتیبانی لبنان از مبارزه برحق رزمندگان فلسطین راسلب کنند، ولی میهن پرستان لبنان برای بیرون کردن مداخله گران آن سوی اقیانوس ودولت صهیونیستی اسرائیل وبرای لغوقرارداد ننگین رژیم جمیل با اسرائیل لحظه ای ازنبرد بازنایستادندوحملات مسلحانه خودرا بطور مرتب علیه دشمن سازمان دادندوضربات موثری به آنان واردآوردند. پیکارآشتی ناپذیر میهن پرستان لبنان، نمونه استقامت و ایستادگی یک ملت درراه استقلال و آزادی، در مقابل بزرگترین کشورامپریالیستی جهان و همدستان وی است.

نبردسرسختانه رزمندگان لبنان، حمایت گسترده نیروهای مترقی جهان راجلب کرده و به مخالفتهای وسیع علیه اشغالگران در کشورهای عربی ودراروپا وخودآمریکادامن زده است. امین جمایل بعدازمسافرت به سوریه قراردادکذائی خودبااسرائیل رالغو کردوریگان که درصددانتخاب مجددبه ریاست جمهوری آمریکااست تحت فشارمبارزین لبنان وبرای کاستن ازموج مخالفتهاوانتقادات مجبورشدکه تفنگداران دریایی آمریکارا به کشتی های جنگی مستقردرسواحل لبنان انتقال دهند.

خروج تفنگداران آمریکاازبیروت ولغو قراردادسازش بار "لبنان ــ اسرائیل"، گرچه ورشکستگی خط مشی ریگان درخاورنزدیک رابه نمایش می گذاردولی بمنزله چرخش در سیاست آمریکانیست. استراتژی تجاوزکارانه آمریکادرلبنان همچنان بجای خودباقی است. جرج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا در سفری به انگلستان درمقابل این سئوال که خروج تفنگداران آمریکاازلبنان نمایانگر ضربه ای برسیاست آمریکادرخاورمیانه میباشد، گفت: "بازی هنوزتمام نشده". ریگان این بارمی خواهدازمیهن پرستان انتقام بگیرد. ارتش لبنان وسازمانهای مسیحی راستگرا راتقویت کندوبه دولت صهیونیستی جهت ادامه اشغال جنوب لبنان وبرای تهاجم گسترده، کمک همه جانبه نماید.

ناوگان آمریکا پس ازخروج تفنگداران از بیروت مرتبا مواضع گردانهای سوری و رزمندگان لبنان رازیرآتش خودمیگیرند. ریگان اختیارات نامحدودی به فرماندهی نظامی آمریکادربیروت داده است که برطبق آن فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا بدون مشورت قبلی وبااستفاده ازهواپیماهای جنگی و توپخانه رزمناوها، مواضع رزمندگان سوری و لبنانی رامورد حمله قراردهد.

دولت آمریکا واسرائیل روی ارتش لبنان وسازمانهای راستگرای مسیحی درارتش وبیرون ازآن حساب بازکرده اندوبهرگونه قصد دارد بسرعت آنان راتقویت کند. جرج بوش اعلام کرده است که: "دولت ایالات متحده آمریکادرتدارک تهیه سلاحهای ضدتوپخانه ای برای رژیم لبنان است تااین سلاحهابتوانند علیه مواضع مستقردرکوههای اطراف بیروت مورداستفاده قرارگیرندوممکن است تعدادی ازسربازان آمریکابرای آموزش ارتش لبنان دربکارگیری تکنیکهای مدرن جنگی بمانند".

رژیم صهیونیستی اسرائیل که نقش ژاندارم رادرمنطقه خاورمیانه ایفا میکند به خواست واشنگتن درتدارک تهاجم باابعاد گسترده به لبنان می باشد. به گزارش روزنامه اسرائیلی "ماریو"، واشنگتن به تل آویو پیشنهادکرده است تابرای دفاع ازسیاست آمریکادرلبنان به حمله طرح ریزی شده وهمه جانبه دست بزنند. این امرنشان می هدکه ریگان ازطریق اسرائیل سیاستهای توسعه طلبانه خودراپیش می بردوسلاحهای زیادی دراختیارآن می گذارد. وزیراقتصاد اسرائیل اخیرا گفته است که: "وجود نیروهای مسلح قوی اسرائیل بسودآمریکاست مثلا اگرنیروی هوایی اسرائیل وجودنداشت، آمریکا مجبوربودبرای تامین حضورنظامی خود درمنطقه لااقل دوناوهواپیمابربه مبلغ پنجاه میلیارددلاربسازد"، امروزامپریالیسم آمریکابیش ازهرموقع درتقویت مشت نظامی اسرائیل ذینفع است.

تراژدی لبنان درحالیکه نیمی ازآن به ویرانه تبدیل شده ونیم دیگرلگدکوب چکمه پوتان اسرائیل است، همچنان ادامه دارد. گرچه درنتیجه پیکاردلاورانه وقهرمانانه میهن پرستان، تفنگداران دریایی آمریکا و متحدین وی ازبیروت خارج شده اندوقرارداد ننگین لبنان ــ اسرائیل لغوشده است، با این وجوداستراتژهای آمریکاهمچنان درصدد کاربردمشت نظامی درلبنان میباشند. اما مشت نظامی آمریکاباشتهای گره کرده میهن پرستان بپاخاسته لبنان مواجه است که ازپشتیبانی همه نیروهاوکشورهای ضدامپریالیست وترقیخواه جهان برخوردارند●

آدمی با سر افراشته باید بزید
و سر افراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
ونهد در راه آزادی خلق
همه هستی خویش

گرامی باد یاد شهدای فروردین!

فدائیان خلق:

بهرام	آق آتابای
حمید	اکرامی
غزال (پریدخت)	آیتی
سیمین	پنجه شاهی
نسرین	پنجه شاهی
ناصر	توفیقیان
بیژن	جزنی
احمد	جلیل افشار
محمد	چوپانزاده
جلیل	حواری نسب
عطا	خانجانی
علی	خلیفتی
علی‌محمد	خوجه
آرازمحمد	دردی پور
پروین	ره انجام
آنابردی	سرافراز
عزیز	سرمدی
جواد	سلامی
یدالله	سلسبیلی
خشایار	سنجری
عباس	سورکی
قربان	شفیقی
عبدالله	صوفی زاده
حسن	ضیاء ظریفی
جلیل	عرازی
غفور	عمادی
منصور	فرشیدی
محمدرضا	کامیابی
بردی‌محمد	کوسه غراوی
سعید	مشعوف کلانتری
حبیب الله	مومنی
علی	میرابیون

پر رهرو باد راهشان،
جاودان یادشان

پیش بسوی جبهه متحد خلق